



دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی  
گروه مدرسی معارف - مبانی نظری

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

# چیستی حیات طیبه، ابعاد و پیامدهای اجتماعی آن از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

استاد راهنما:

حجه الاسلام و المسلمین دکتر شمس الله مریجی

استاد مشاور:

دکتر حسن عبدی

نگارش:

اکبر قربانی

تابستان 1392

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده معارف، فلسفه و کلام اسلامی  
گروه مدرسی معارف - مبانی نظری

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

# چیستی حیات طیبه، ابعاد و پیامدهای اجتماعی آن از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

استاد راهنما:

حجه الاسلام و المسلمین دکتر شمس الله مریجی

استاد مشاور:

دکتر حسن عبدی

نگارش:

اکبر قربانی

تابستان 1392

## تقدیم

قال رسول الله «صلى الله عليه و آله و سلم»:

﴿فأما ابنتي فاطمة فهي سيده نساء العالمين من الاولين و الآخريين﴾

ثم التفت الى علي «عليه السلام» فقال:

﴿يا علي ان فاطمة بضعة مني و نور عيني و ثمرة فوادي يسووني ما ساءها و يسرنى ما سرها﴾

(بحار الانوار، ج 37، ص 85؛ روایت 52 از باب 50)

تقدیم به صديقة كبرى حضرت فاطمة زهرا «سلام الله عليها»



## تشر

«هر کس بندگان را سپاس نگوید آفریننده بندگان را سپاس‌گذاری نکرده است»  
از این رو؛ نخست آفریدگار بی همتا را می‌ستاییم و بر بخشندگی و مهربانی‌اش سر کرنش فرود آورده،  
پیشانی پرستش بر آستانش می‌ساییم. سپس تلاش و کوشش بزرگان و فرزانه‌گانی را ارج می‌نهیم که این  
نوشتار بدون یاری آنان سامان نمی‌یافت به ویژه  
جناب آقای دکتر شمس الله مریجی (زید عزه)؛ استاد محترم راهنما؛  
جناب آقای دکتر حسن عبدی (زید عزه)؛ استاد محترم مشاور؛  
و دوستانی که در انجام این پژوهش از هیچ گونه یاری و کمک دریغ نوزیدند. بهروزی و سرافرازی  
همه آنان را از درگاه ایزد یکتا خواستاریم.  
«و واپسین سخن ما آن که ستایش تنها خداوندی را سزاوار است که پروردگار هر دو جهان  
است»

## چکیده

پرسش این تحقیق عبارت است از: «حیات طیبه چیست و ابعاد و پیامدهای اجتماعی آن از دیدگاه اندیشمندان مسلمان کدام است؟» بر اساس یافته‌های این پژوهش «حیات» به معنای زندگی و «طیبه» به معنی پاک و پاکیزه است. و منظور از «حیات طیبه» آن حیاتی است که خدای تعالی به مؤمنی که عمل صالح انجام دهد به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده زنده می‌کند. در این زندگی جدید و پاکیزه، تمام ابعاد وجودی انسان مورد توجه قرار گرفته، به گونه‌ای که هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تأمین است. حیات طیبه علاوه بر اینکه زندگی فردی را تأمین می‌کند؛ زندگی اجتماعی را نیز به سعادت و شادکامی رهنمون می‌سازد. و آنچه که در این تحقیق محور بحث قرار گرفته؛ بُعد اجتماعی حیات طیبه است.

در بررسی این پرسش در بخش مبانی نظری حیات طیبه این نتیجه به دست آمده است که توحید الهی و به تبع آن ثمره اعتقاد عملی توحید و نیز اعتقاد به معاد در حیات طیبه نقش اساسی دارد. در ادامه تحقیق، ابعاد حیات طیبه مانند: علم‌آموزی و رابطه آن با حیات طیبه، خانواده و کسب حیات طیبه در معاشرتهای خانوادگی، تربیت فرزند و ابعاد و پیامد تربیت در حیات طیبه، تغذیه و بهداشت، لباس و رابطه آن با حیات طیبه، سیاست و اهداف اجتماعی آن در حیات طیبه، سبک زندگی سیاسی اجتماعی حاکم اسلامی، و تفاوت سیاست و حکومت در حیات طیبه و حیات خبیثه، رسانه و ارتباط آن با حیات طیبه بررسی شده است. در بخش پیامدهای اجتماعی حیات طیبه – که مهم‌ترین بخش این تحقیق به شمار می‌رود – به مصادیقی همچون: تثبیت ارزشهای اخلاقی و اجتماعی، سرمایه‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی، نظارت و کنترل اجتماعی، مدارای اجتماعی، توسعه و گشایش پرداخته شده است. روش کلی کار، از نوع توصیفی و گرد آوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای بوده است.

از مجموع نوشتار چنین برداشت می‌شود که شناخت حقیقت حیات، ایمان به مبدأ و معاد، انجام عمل صالح و پیروی از سبک زندگی اسلامی، کمک زیادی به انسان در رسیدن به کمال، خوشبختی و سعادت در دنیا و آخرت می‌کند. از دیگر نتایج بدست آمده در این تحقیق آن است که شناخت ابعاد و پیامدهای اجتماعی حیات طیبه می‌تواند انسان را در رسیدن به یک زندگی جامع، مطلوب و حقیقی کمک نموده و موجب صلح، صفا، آرامش و امنیت همه‌جانبه در فضای جامعه خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** حیات طیبه، سبک زندگی اسلامی، حیات معقول، مدینه فاضله، ابعاد اجتماعی.

**فهرست مطالب**

عنوان	صفحه
<b>1. فصل اول: کلیات تحقیق و مفاهیم</b>	1
<b>1-1. کلیات تحقیق</b>	2
1-1-1. طرح مسأله	2
2-1-1. ضرورت تحقیق	3
3-1-1. پرسش‌های تحقیق	3
1-3-1-1. پرسش اصلی	3
2-3-1-1. پرسش‌های فرعی	3
4-1-1. پیشینه تحقیق	3
5-1-1. اهداف تحقیق	5
6-1-1. روش تحقیق	5
7-1-1. محدودیت‌های تحقیق	5
<b>2-1. چارچوب مفهومی تحقیق</b>	6
<b>1-2-1. «حیات طیبه»</b>	6
1-1-2-1. مفهوم لغوی و اصطلاحی حیات	6
1-1-1-2-1. حیات در لغت	6
2-1-1-2-1. مفهوم اصطلاحی حیات	7
3-1-1-2-1. اقسام حیات	8
1-3-1-1-2-1. حیات مادی، یا طبیعی	8
2-3-1-1-2-1. حیات حیوانی	9
3-3-1-1-2-1. حیات انسانی	10
4-3-1-1-2-1. حیات الهی، یا معنوی	10
2-1-2-1. حیات حقیقی	11
3-1-2-1. مفهوم لغوی و اصطلاحی طیبه	12
4-1-2-1. شرط برخورداری از حیات طیبه	13
<b>2-2-1. سبک زندگی</b>	14
1-2-2-1. واژه شناسی	14
2-2-2-1. مفهوم سبک زندگی	14
3-2-2-1. سبک زندگی اسلامی	16
1-3-2-2-1. رابطه سبک زندگی اسلامی با حیات طیبه	17
2-3-2-2-1. ابعاد اجتماعی سبک زندگی	18
<b>3-2-1. دعوت قرآن به حیات طیبه</b>	19
<b>4-2-1. حیات طیبه در دعا و روایات</b>	20
<b>5-2-1. حیات طیبه در کلام اندیشمندان مسلمان</b>	21
<b>2. فصل دوم: مبانی نظری حیات طیبه</b>	26

27	..... <b>1-2. توحید الهی</b>
28	..... 1-1-2. تعریف توحید
28	..... 2-1-2. مراتب و حد نصاب توحید
29	..... 1-2-1-2. توحید نظری و مراتب آن
29	..... 1-1-2-1-2. توحید ذاتی
29	..... 2-1-2-1-2. توحید صفاتی
29	..... 3-1-2-1-2. توحید افعالی
29	..... 2-2-1-2. توحید عملی
30	..... 2-1-2-1-2. توحید در عبادت
30	..... 2-2-2-1-2. توحید در حمد
30	..... 2-3-2-1-2. توحید در دعا
30	..... 3-2-1-2. حد نصاب توحید
31	..... 3-1-2. ثمره اعتقاد عملی توحید در حیات طیبه
31	..... <b>2-2. مقدمه بودن زندگی دنیا برای آخرت</b>
33	..... 1-2-2. پیوستگی زندگی دنیا و زندگی آخرت
34	..... <b>3-3. معاد و حشر انسانها</b>
34	..... 1-3-2. پیامدهای اعتقاد و باور به معاد
36	..... <b>4-4. انسان شناسی اسلامی و سبک زندگی</b>
36	..... 1-4-2. تکامل پذیر بودن انسان
37	..... 2-4-2. حقیقت انسان
37	..... 3-4-2. ابعاد انسان
38	..... 4-4-2. خلیفه الله بودن انسان
39	..... 1-4-4-2. معنای خلافت الهی
39	..... 2-4-4-2. شرایط خلافت الهی
41	..... <b>5-2. جمع بندی و نتیجه گیری</b>
<b>3. فصل سوم: مؤلفه های حیات طیبه</b>	
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.	
<b>1-3. علم آموزی</b>	
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.	
Error! Bookmark not defined. 1-1-3. تعریف علم	
Error! Bookmark not defined. 2-1-3. ضرورت فراگیری علم در بینش اسلامی	
Error! Bookmark not defined. 3-1-3. اقسام علم	
Error! Bookmark not defined. 1-3-1-3. علم دین و علم بدن	
Error! Bookmark not defined. 2-3-1-3. علم ذاتی (فطری) و علم اکتسابی	
Error! Bookmark not defined. 3-3-1-3. علم اعتقادی، اخلاقی و فقهی	
Error! Bookmark not defined. 4-3-1-3. علم نافع، مضر و غیر مفید	
Error! Bookmark not defined. 4-1-3. رابطه علم و حیات طیبه	
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.	
<b>2-3. خانواده</b>	
Error! Bookmark not defined. 1-2-3. جایگاه خانواده در اندیشه نظام اسلامی	
Error! Bookmark not defined. 2-2-3. اصل و اساس تشکیل خانواده	
Error! Bookmark not defined. 3-2-3. ازدواج و تشکیل خانواده	

- 3-2-3-1.** اسلام و تشویق به ازدواج ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-2-3-2.** پیامد اجتماعی ازدواج ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-2-3-3.** نقش تربیتی ازدواج ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-2-4.** کسب حیات طیبه در معاشرت‌های خانوادگی ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-2-4-1.** انتخاب همسر ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-2-4-2.** پیامد انتخاب درست در فرد و جامعه ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-2-4-3.** ملاک‌های انتخاب همسر در اسلام ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-2-4-4.** حقوق متقابل ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-2-4-5.** وظایف متقابل زوجین ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-3. تربیت فرزند.** ..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**
- 3-3-1.** جایگاه تربیت فرزند در اندیشه اسلامی ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-3-1-1.** تربیت در روایات ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-3-1-2.** اصول تربیت فرزند: ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-3-1-3-1.** تربیت کودک قبل از تولد ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-3-1-3-2.** تربیت کودک در دوران بارداری ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-3-1-3-3.** تربیت فرزند در دوران شیر خواری ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-3-1-3-4.** تربیت فرزند در دوران طفولیت ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-3-1-3-5.** تربیت فرزند در دوران نوجوانی ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-3-2.** ابعاد و پیامد تربیت در حیات طیبه ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-4. تغذیه و بهداشت.** ..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**
- 3-4-1.** تغذیه، و پیروی از دستورات الهی ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-4-1-1.** کامل‌ترین و محبوب‌ترین غذا ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-4-2.** بهداشت ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-4-2-1.** جایگاه بهداشت در اسلام ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-4-2-2.** احکام بهداشت و تغذیه ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-4-2-3.** بهداشت روانی در اسلام ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-4-2-4.** آثار معنوی بهداشت در قرآن ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-5. لباس.** ..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**
- 3-5-1.** تعریف لباس ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-5-2.** کارکرد لباس ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-5-2-1.** کارکرد فردی ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-5-2-2.** کارکرد اجتماعی ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-5-3.** جایگاه لباس در اسلام ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-5-4.** لباس مطلوب ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-5-5.** رابطه لباس با حیات طیبه ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-6. سیاست.** ..... **ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.**
- 3-6-1.** جایگاه سیاست و حکومت در اندیشه اسلامی ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-6-2.** سیاست از نگاه اندیشمندان مسلمان ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-6-3.** اهداف اجتماعی سیاست و حکومت در حیات طیبه ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-6-3-1.** برقراری امنیت و آرامش ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-6-3-2.** برقراری عدالت اجتماعی ..... *Error! Bookmark not defined.*
- 3-6-3-3.** اقامه حق و دفع باطل ..... *Error! Bookmark not defined.*

- 4-3-6-3 رساندن افراد جامعه به کمال نهایی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 5-3-6-3 خلافت الهی انسان و تشکیل مدینه فاضله.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 6-3-6-3 توسعه اقتصادی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 7-3-6-3 گسترش فضایل اخلاقی و مقابله با رذایل.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 8-3-6-3 آموزش دانش و راه و رسم زندگی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 9-3-6-3 ایجاد زمینه لازم برای مشارکت سیاسی مردم.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 1-9-3-6-3 انتخابات.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 2-9-3-6-3 بیعت کردن.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 3-9-3-6-3 مشورت نمودن.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 4-9-3-6-3 نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر).....  
 Error! Bookmark not defined.  
 4-6-3-3 حیات طیبیه و سبک زندگی سیاسی اجتماعی حاکم اسلامی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 1-4-6-3 مهربانی و دوستی با مردم.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 2-4-6-3 گشاده رویی با عموم مردم.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 3-4-6-3 رفق و مدارا با مردم.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 4-4-6-3 مردمی زیستن و ارتباط مستقیم با مردم.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 5-4-6-3 اصلاح روابط اجتماعی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 6-4-6-3 زدودن منازعات اجتماعی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 5-6-3-3 تفاوت سیاست و حکومت در حیات طیبیه و حیات خبیثه.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 6-6-3-3 فوائد سیاست و حکومت در جامعه.....  
 Error! Bookmark not defined.  
**7-3-7-3 رسانه**  
 ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.  
 1-7-3-3 نقش و کارکرد وسایل ارتباط جمعی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 1-1-7-3 نقشهای مثبت و سازنده.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 الف. آموزش و کسب معرفت.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 ب. همبستگی اجتماعی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 ج. تفریح.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 د. اطلاع رسانی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 ه. بهره‌گیری در اجرای سیاست داخلی و خارجی کشورها.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 و. تشویق مردم به تلاش، کوشش، و ایجاد روحیه استقامت.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 ز. ارتباط مستقیم رهبران سیاسی و نظامی کشورها با مردم.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 ح. حفظ وحدت و ایجاد دموکراسی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 2-1-7-3 نقشهای منفی و مخرب.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 الف. تهاجم فرهنگی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 ب. ایجاد نیازهای کاذب.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 ج. اشاعه جرایم و تخلفات.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 د. تحریف واقعیتها.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 2-7-3-3 اهداف وسایل ارتباط جمعی.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 3-7-3-3 تلویزیون.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 1-3-7-3 تلویزیون و آسیب‌های خانواده.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 1-1-3-7-3 از بین رفتن وقت و زمان مفید.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 2-1-3-7-3 سطحی نگری و غیر منطقی بار آمدن.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 3-1-3-7-3 استفاده بی‌رویه از مواد فاقد ارزش غذایی در اثر تبلیغات.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 4-1-3-7-3 تغییر در نوع و ترکیبات غذاها.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 5-1-3-7-3 کاهش مناسبات اجتماعی خانواده.....  
 Error! Bookmark not defined.  
 6-1-3-7-3 کم‌توجهی نسبت به مقدسات دینی.....  
 Error! Bookmark not defined.

- 7-1-3-7-3. بوجود آمدن فاصله طبقاتی بین مردم..... Error! Bookmark not defined.
- 8-1-3-7-3. مدرگرای و چشم و همچشمی..... Error! Bookmark not defined.
- 2-3-7-3. راههای پیشگیری و درمان آسیبها..... Error! Bookmark not defined.
- 3-3-7-3. ارتباط رسانه با حیات طیبه..... Error! Bookmark not defined.
- 8-3. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

#### 4. فصل چهارم: پیامدهای اجتماعی حیات طیبه..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

##### 1-4. سرمایه اجتماعی..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1-1-4. اعتماد اجتماعی..... Error! Bookmark not defined.

1-1-1-4. راههای ایجاد و تقویت اعتماد..... Error! Bookmark not defined.

1-1-1-4. مؤلفه‌های اجتماعی..... Error! Bookmark not defined.

2-1-1-4. مؤلفه‌های اقتصادی..... Error! Bookmark not defined.

2-1-4. شبکه‌های اجتماعی..... Error! Bookmark not defined.

3-1-4. مشارکت و همبستگی اجتماعی..... Error! Bookmark not defined.

4-1-4. اتحاد و انسجام اجتماعی..... Error! Bookmark not defined.

5-1-4. آگاهی عمومی..... Error! Bookmark not defined.

6-1-4. شادابی و امید دهی به آینده مطلوب..... Error! Bookmark not defined.

##### 2-4. امنیت اجتماعی..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

##### 3-4. نظارت همه‌گانی و کنترل اجتماعی..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

##### 4-4. مدارای اجتماعی..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

##### 5-4. توسعه و گشایش..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

##### 6-4. مسئولیت پذیری..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

##### 7-4. تنبیت ارزش‌ها..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

##### 1-7-4. ارزشهای اجتماعی..... Error! Bookmark not defined.

1-1-7-4. عدالت اجتماعی..... Error! Bookmark not defined.

4-7-1-1-1. نموده‌های عدالت اجتماعی..... Error! Bookmark not defined.

4-7-1-1-2. آثار عدالت در جامعه..... Error! Bookmark not defined.

2-1-7-4. آزادی..... Error! Bookmark not defined.

4-7-1-2-1. آزادی اجتماعی..... Error! Bookmark not defined.

2-4-7-1-2. آزادی معنوی..... Error! Bookmark not defined.

3-1-7-4. مساوات..... Error! Bookmark not defined.

4-1-7-4. مردم‌سالاری..... Error! Bookmark not defined.

4-7-1-4-1. مردم‌سالاری غیر توحیدی..... Error! Bookmark not defined.

4-7-1-4-2. مردم‌سالاری توحیدی..... Error! Bookmark not defined.

##### 2-7-4. ارزشهای اخلاقی..... Error! Bookmark not defined.

1-2-7-4. عفو و گذشت..... Error! Bookmark not defined.

2-2-7-4. احسان و تعاون..... Error! Bookmark not defined.

4-7-2-2-1. اهمیت و لزوم احسان..... Error! Bookmark not defined.

4-7-2-2-2. اثر مثبت احسان و تعاون..... Error! Bookmark not defined.

4-7-2-2-3. اثر منفی نبود احسان و تعاون در جامعه..... Error! Bookmark not defined.

4-7-2-2-4. نموده‌های احسان..... Error! Bookmark not defined.

3-2-7-4. اینار..... Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined..... صدافت 4-2-7-4

Error! Bookmark not defined..... جایگاه صدافت در آموزه‌های دینی. 1-4-2-7-4

Error! Bookmark not defined..... قلمرو صدافت. 2-4-2-7-4

Error! Bookmark not defined..... فوائد صدافت و راستگویی در ایجاد حیات طیبه. 3-4-2-7-4

Error! Bookmark not defined..... مضرات دروغ. 4-4-2-7-4

**8-4. جمع بندی و نتیجه گیری**.....

**نتیجه گیری نهایی و پیشنهادها**.....

نتیجه گیری.....

پیشنهادها.....

**فهرست منابع و مآخذ**.....



## **1. فصل اول**

### **کلیات تحقیق و مفاهیم**

## 1-1. کلیات تحقیق

در بخش کلیات تحقیق خطوط کلی شامل طرح مسأله، پرسش‌ها، روش تحقیق، پیشینه و چارچوب طرح می‌گردد. آگاهی از این محورها موجب می‌شود مسیر انجام تحقیق واضح و روشن گردد. کلیات تحقیق را با طرح مسأله آغاز می‌کنیم.

### 1-1-1. طرح مسأله

انسان موجودی کمال‌پذیر است و دین اسلام برنامه زندگی انسان برای رسیدن به کمال است. با توجه به این که انسان موجودی اجتماعی است، بخش مهمی از کمال انسان نیز از طریق زندگی اجتماعی به دست خواهد آمد. از این رو می‌توان گفت که بخش مهمی از دین اسلام، تعالیم اجتماعی است که هدف از آن رسیدن انسان به کمال لایق اوست. در متون و منابع دینی از زندگی مطابق با تعالیم دینی به «حیات طیبه» تعبیر شده است. خداوند در آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>1</sup> زندگی صاحبان عمل صالح که مؤمن باشند را به صفت طیبه ستوده است، یعنی زندگی که با برخوردار بودن انسان از ایمان و عمل صالح، از آلودگی‌های ظاهری و باطنی پاکیزه بوده و موجب می‌شود حیات انسان مطلوب، دلچسب، پسندیده و مطابق میل و اراده او باشد.

امروزه در فرهنگ غربی با تاکید بر «سبک زندگی» به بررسی ابعاد مختلف این مسأله پرداخته می‌شود و تلاش می‌شود بر اساس مبانی فکری و فرهنگی غرب، ابعاد مختلف سبک زندگی انسان غربی مطرح گردد. بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده در «سبک زندگی» در غرب، انسان مدرن دارای ویژگی‌های خاص رفتاری و ارتباطی است. انسان مدرن از الگوهای خاصی در تنظیم روابط اجتماعی خود پیروی می‌کند. با نگاهی فلسفی می‌توان مبانی نظری چنین رفتاری را استخراج کرد. اما در این زمینه آن چه اهمیت دارد، پی‌ریزی سبک و الگویی اسلامی در تعاملات و ارتباطات افراد در جامعه اسلامی است. با توجه به تقابل فرهنگ غربی با فرهنگ اسلام و نیز با توجه به تاکید بر بزرگان دین بر پی‌گیری و پی‌ریزی تمدن اسلامی

---

1. سوره نحل (16) آیه 97

دارند می توان با استفاده از مفهوم «حیات طیبه»، مبنایی متفاوت از الگوی غربی برای زندگی در جامعه اسلامی تدوین کرد. و از آن جا که بخش اجتماعی زندگی یا همان حیات طیبه، بخش اصلی و حقیقی تمدن اسلامی محسوب می گردد، این پرسش مطرح می گردد که «با مراجعه به متون و منابع دینی، از منظر اندیشمندان مسلمان، حیات طیبه دارای چه ویژگی ها، ابعاد و پیامدهای اجتماعی است؟»

### **1-1-2. ضرورت تحقیق**

با توجه به این که از یک سو کمال لایق انسان از طریق حیات اجتماعی تامین می گردد، و از سوی دیگر در بررسی ابعاد حیات طیبه با کم تر تحقیقی مواجه می گردیم که به تفصیل به بررسی ابعاد اجتماعی حیات طیبه پرداخته باشد، انجام این تحقیق می تواند خلأ علمی موجود در این زمینه را بر طرف سازد، و منبعی برای شناخت ابعاد اجتماعی حیات طیبه از منظر اسلامی فراهم سازد.

### **1-1-3. پرسش های تحقیق**

پرسش های تحقیق را می توان در قالب پرسش اصلی و پرسش های فرعی که در ذیل بیان می شود صورت بندی کرد.

#### **1-3-1-1. پرسش اصلی**

حیات طیبه چیست و ابعاد و پیامدهای اجتماعی آن از دیدگاه اندیشمندان مسلمان کدام است؟

#### **1-3-1-2. پرسش های فرعی**

1. مبانی نظری حیات طیبه کدام است؟
2. مؤلفه های حیات طیبه چیست؟
3. سبک زندگی با عبارت طیبه چه رابطه ای دارد؟

### **1-1-4. پیشینه تحقیق**

با بررسی های انجام شده به نظر می رسد که هر چند کتابها و مقالات متعددی در زمینه سبک زندگی و حیات طیبه به نگارش در آمده است، لکن هیچ کدام از آنها به صورت مبسوط به ابعاد و پیامدهای اجتماعی حیات طیبه اشاره نکرده اند. بلکه بیشتر به بررسی نظری و ابعاد فردی آنها پرداخته اند، از جمله آثاری که می توان در رابطه با سبک زندگی و حیات طیبه به آنها اشاره کرد در ذیل عنوان می کنیم:

یکی از منابعی که در این زمینه منتشر شده است، کتاب «دین و سبک زندگی» نوشته محمد سعید مهدوی کنی است. مشخصات انتشاراتی کتاب به این شرح است: مهدوی کنی، محمدسعید، دین و سبک زندگی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، 1387 ش. نویسنده تحقیق خود را در ضمن دو بخش تدوین کرده است. در بخش اول به مباحث نظری مربوط به سبک زندگی پرداخته است. بخش اول از سه فصل تشکیل شده است که عبارت است از: بررسی نظری دین و سبک زندگی، نظریه پردازی درباره سبک زندگی، و رابطه دین و سبک زندگی. در بخش دوم با انجام تحقیق موردی، تلاش نموده تا مباحث نظری بخش اول را کاربردی سازد. درباره این تحقیق باید گفت که تاکید اصلی نویسنده بر بررسی نظریه‌های غربی درباره سبک زندگی مانند نظریه وبلن، زیمل، وبر، و آدلر بوده است و کم‌تر بر نگرش اسلامی نسبت به «حیات طیبه» متمرکز شده است.

یکی دیگر از منابعی که در این زمینه به نگارش در آمده، کتاب سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن به نوشته محمد کاویانی است. مشخصات انتشاراتی کتاب به این شرح است: کاویانی محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: انتشارات پژوهشگاه، 1391 ش. ایشان تحقیق خود را در ضمن سه بخش تدوین کرده است. بخش اول که شامل سه فصل می‌باشد، به کلیات، پیشینه بحث، دیدگاه‌های نظری و دیدگاه‌های روان شناختی آدلر و پیروان او در باب سبک زندگی پرداخته است. بخش دوم نیز که شامل سه فصل می‌باشد به سبک زندگی اسلامی از دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان پرداخته، و نگرش‌های کلی حاکم بر زندگی و وظایف زندگی از دیدگاه اسلام را بیان نموده است. در بخش سوم که به سه فصل تقسیم می‌شود؛ به ساخت آزمون سبک زندگی و یافته‌های تحقیق و تحلیل آنها پرداخته و در آخر با نتیجه‌گیری به پایان برده است. نگارنده در این کتاب هر چند به بعضی از ابعاد سبک زندگی اشاره نموده است ولی در این کتاب از پیامدهای اجتماعی عمل به سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه مطلبی بیان نشده است.

از جمله منابع دیگری که در این زمینه به نگارش در آمده کتاب همیشه بهار نوشته احمد حسین شریفی و همکاران وی می‌باشد. این کتاب که در سال 1391 توسط دفتر نشر معارف چاپ شده است کتابی با ارزش در زمینه سبک زندگی اسلامی است. در این کتاب نیز راهکارهایی در رابطه با سبک زندگی فردی و اجتماعی در اسلام بیان شده و لیکن به پیامدهای آن اشاره‌ای نشده است.

همچنین از جمله آثاری که در این زمینه منتشر شده است، می توان به مقاله آقای فاضل قانع اشاره کرد. ویژگی های انتشاراتی مقاله چنین است: فاضل قانع، حمید، سبک زندگی دینی و نقش آن در کار و فعالیت جوانان، نشریه مطالعات جوان و رسانه. با مطالعه مقاله می توان دریافت که نویسنده تلاش کرده است با نگاهی به تعالیم اسلام سبک زندگی دینی در حوزه فعالیت جوانان را بررسی نماید. اگر چه نویسنده محترم بر ابعاد اجتماعی سبک زندگی متمرکز شده است، ولی موضوع تحقیق خود را بر بررسی مساله فعالیت جوانان متمرکز ساخته است و از پرداختن به سایر ابعاد اجتماعی سبک زندگی اسلامی پرهیز نموده است.

### **1-1-5. اهداف تحقیق**

اهدافی که می توان برای این تحقیق در نظر گرفت عبارتند از:

1. شناخت مبانی معرفتی حیات طیبه
2. بیان رابطه حیات طیبه و سبک زندگی اسلامی
3. بررسی ادبیات و بیان مفاهیم نظری حیات طیبه

### **1-1-6. روش تحقیق**

روش جمع آوری اطلاعات از راه کتابخانه ای و فیش ها، و روش تحقیق نیز عبارتند از توصیفی و تحلیلی.

### **1-1-7. محدودیت های تحقیق**

با توجه به کثرت اندیشمندان مسلمان و محدودیت تحقیق حاضر از حیث کمیت، لازم دیده شد جهت اختصار به نظرات چند تن از اندیشمندان مسلمان عصر حاضر مانند: مرحوم علامه طباطبایی، مرحوم شهید مطهری و علامه جوادی آملی پرداخته شود و در بعضی موارد نیز، از نظرات آیه الله مکارم شیرازی، علامه مصباح یزدی و حضرت آیه الله خامنه ای (حفظهم الله تعالی) و دیگر نویسندگان نیز بهره برده شده است.

## 1-2. چارچوب مفهومی تحقیق

در این قسمت برای ایضاح مفهومی مسئله پژوهشی، مفاهیم اساسی تحقیق توضیح داده خواهد شد.

### 1-2-1. «حیات طیبه»

از آغاز دوران اندیشه، متفکران بسیاری در صدد برآمده‌اند ویژگی‌های یک زندگی جامع و مطلوب را معرفی کنند. تلاش‌های آنان در قالب نظریه‌های مربوط به مدینه فاضله مطرح شده است. عمده این تلاش‌ها حاصل عقل و برداشتهای شخصی این متفکران بوده است. با توجه به این که متون و منابع دینی مشتمل بر معارف حقیقی و واقعی مستند به وحی هستند، لذا یکی از راه‌های معتبر برای شناخت اصول و ویژگی‌های زندگی جامع و مطلوب مراجعه به آیات و روایات است. از این رو، از جمله برنامه‌هایی که خداوند متعال برای رسیدن انسان به کمال لایق خود در قرآن کریم به عنوان سبک زندگی هدفمند به آن اشاره نموده است؛ داشتن زندگی پاکیزه و دوری از هر نوع آلودگی‌های جسمی و روحی است و از این برنامه جهت اعتلای بشر و قرب الهی، در قرآن کریم به «حیات طیبه» تعبیر شده است. با این وجود، یکی از موضوعات اساسی که تحقیق و پژوهش در آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، حیات طیبه یا همان سبک زندگی اسلامی است. از این رو با تمرکز بر مفهوم «حیات طیبه» به سراغ متون دینی، و کلام بزرگان دین می‌رویم. ولی قبل از آن لازم است، با معنای لغوی آن، و اقسام حیات، و حیات حقیقی آشنا شویم.

### 1-2-1-1. مفهوم لغوی و اصطلاحی حیات

تعبیر «حیات طیبه» از دو کلمه «حیات» و «طیبه» ترکیب شده است و کلمه «طیبه» صفت برای کلمه «حیات» است. و ما تلاش خواهیم کرد معنای هر کدام از این واژه‌ها را در کتابهای لغت پی بگیریم.

#### 1-2-1-1-1. حیات در لغت

واژه حیات کلمه‌ای عربی از ریشه (حی) مقابل (میت) و به معنای زندگی و زیست است و در مقابل (موت) و (ممات) به معنای مرگ و مردن به کار می‌رود.<sup>1</sup> و در قرآن نیز، یکی از مخلوقات خداوند نام برده شده؛ «الذی خلق الموت و الحیة»<sup>2</sup> و دارای معانی مختلفی مثل، نیروی رشد کننده در گیاهان و حیوانات، نیروی حساس و حس کننده، نیروی فعال و عاقل و

1. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، 14 جلد، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: 1373، ج 6، ص 8119.

2. سوره ملک، (67) آیه 2

دارای قوه اندیشه، برطرف شدن غم اندوه، زندگی ابدی آخرت، حیاتی که به پروردگار نسبت داده می شود؛ یعنی زوال ناپذیر، عقل و سعادت، به کار رفته است.<sup>1</sup>

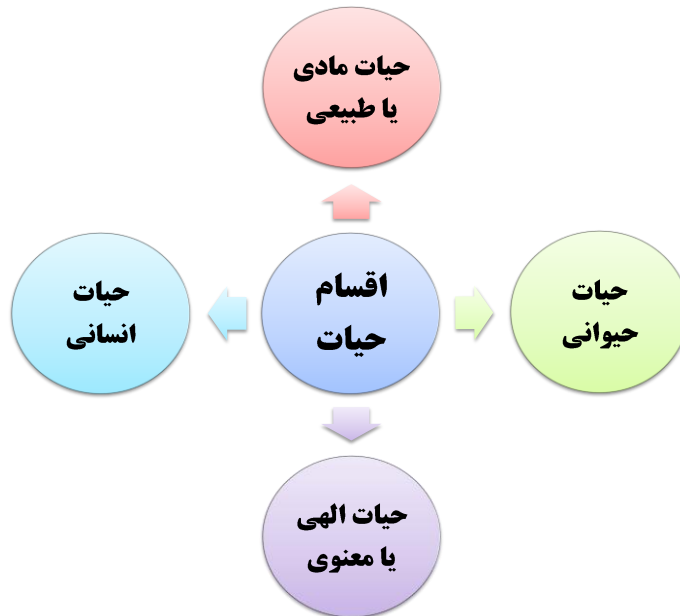
### 2-1-1-2-1. مفهوم اصطلاحی حیات

گفته شد حیات در مقابل موت بوده و به معنای زندگی و زیست است. حال علامه طباطبایی (ره) حیاتی که در مقابل موت قرار دارد را به حسب تحلیل در مورد موجود دارای حیات اینگونه بیان می کنند: آن شیء موجود دارای صفتی است که آثار مطلوب از آن شیء بر آن مترتب می شود، همان گونه که موت چنین آثاری را ندارد. یعنی موت در مقابل حیات دیگر آثار مطلوب بر آن مترتب نخواهد شد. ایشان ضمن بیان مصادیقی برای حیات و موت می فرمایند: پس حیات و زنده شدن زمین به معنای آن است که زمین گیاه خود را برویاند و سرسبز گردد، بر خلاف زمین مرده که این اثر مطلوب دیگر بر آن مترتب نمی شود. و حیات عمل به این معنی است که آن عمل به گونه ای انجام گیرد که غرضی که بخاطر آن غرض آن عمل انجام شده از آن عمل حاصل شود، و عمل مرده عبارتست از عملی که اینطور نباشد، و همچنین زنده بودن کلام و سخن به این است که سخن اثر مطلوب را در شنونده بگذارد و سخن مرده آن سخنی است که چنین اثری را نداشته باشد. و زنده بودن انسان به این معنی است که حیات انسان در مجرای قرار بگیری که فطرت، او را بسوی آن مجری هدایت می کند، مثل اینکه دارای عقلی سلیم و نفسی زکیه و مهذب باشد.<sup>2</sup> استاد جوادی آملی نیز مفهوم حیات و زندگی را از مفاهیم روشن و بدیهی دانسته و در این رابطه می فرماید: «هر انسانی می تواند تصویری از آن را در ذهن خود ترسیم کند. موجودی که به لحاظ زیستی، از اوصاف و خصوصیات چون، تغذیه و رشد و تولید مثل و مانند آن برخوردار باشد، از آن به موجود زنده یاد می شود و یا موجودی که از حس و حرکت بهره مند باشد از آن به حیوان یاد می شود. حیات حقیقتی است که هم نازل ترین موجود از آن برخوردار است و هم موجود کامل و مطلق یعنی خدای سبحان آن را داراست، از این رو، از حق به (حیّ لایموت) تعبیر می شود.»<sup>3</sup>

- 
1. حسین بن محمد، (راغب اصفهانی) المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، تهران: چاپ راهنما، 1387، ص 144-146
  2. سید محمد حسین، طباطبایی، تفسیر المیزان، 20 جلد، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، سال 1417 ق، ج 10، ص 51-52
  3. عبدالله جوادی آملی، تهیه و تدوین، محمد رضا مصطفی پور، اسلام و زندگی، مجله عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی پاسدار اسلام، خرداد 1385، شماره 294، ص 6.

### 1-2-1-3. اقسام حیات

از نظر آموزه‌های دینی و اسلامی، انسان‌ها از نظر حیات و زندگی درجات و مراتب گوناگون دارند. به همین رو به اقسام حیات در انسانها پرداخته و سپس حیات حقیقی را بیان خواهیم کرد.



#### 1-3-1-1-2-1. حیات مادی، یا طبیعی

از جمله حیاتی که انسانها از آن برخوردارند، همان زندگی مادی و طبیعی دنیوی است. با توجه به اینکه انسان دارای اختیار و آزادی اراده است می‌تواند زندگی مادی و طبیعی خود را مقدمه و وسیله‌ای قرار دهد برای رسیدن به حیات حقیقی و معقول که در قرآن کریم از آن به حیات طیبیه تعبیر شده است، و نیز می‌تواند از این زندگی مادی و طبیعی، در راستای هواهای نفسانی و شیطانی خود استفاده کند که در این صورت از حیوان نیز به تعبیر قرآن کریم پست‌تر خواهد شد.

اما سؤالی که اینجا مطرح است اینکه، فرق حیات مادی با حیات حیوانی در چیست؟ در رابطه با فرق این دو مورد گفته شده؛ «حیات مادی از نظر ماهیت، مساوی با حیات حیوانات است، ولی از نظر آثار به خاطر این که صاحبش دارای آزادی و اختیار است و حیاتش عاری از قیود عقلی و فطری و دینی است با آثار حیات حیوانی متفاوت است. انسان در چارچوب حیات طبیعی و مادی دنیا را آخرین منزل می‌داند و تمام اهدافش، در به چنگ آوردن جاه و مقام و مال و ثروت خلاصه می‌شود. در حصار این حیات از دیدن حقایق کور، و



از شنیدن مواعظ کر، و از گفتن حق و پرسیدن از معارف لال، و از فهم واقعیات عاجز و ناتوان است. در خیمه‌ی این حیات تمام همّت انسان، لذّت‌بری و پیروی از شهوات و بندگی نسبت به هوا و هوس است.<sup>1</sup>

### 1-2-1-1-3-2. حیات حیوانی

حیات حیوانی به آن مرتبه از حیات اطلاق می‌شود که انسان به همین حیات ظاهری خویش اکتفاء کرده و در تمام عمر خود، به جای به کار انداختن عقل و درایت خود، سعی در به فعلیت رساندن صفات حیوانی داشته و از قوا و استعداد انسانی غفلت داشته یا تغافل کند.<sup>2</sup>

با این بیان روشن می‌شود اگر انسان در همان حیات حیوانی و ظاهری خود گرفتار شده و به جای به کار انداختن قوه عقل و استعداد، منحصر و گرفتار در حصار شهوت و غضب باشد، با حیوانات هیچ فرقی نخواهد داشت. زیرا حیوانات به دلیل عدم وجود قوه تعقل و استعداد، همه همّت خود را در بکارگیری شهوت و فربه کردن جسم و جان خود می‌کنند. چنین انسانی علاوه بر اینکه به حیات طیبّه دست نخواهد یافت، بلکه همانند حیوانی خواهد بود که کاری جز خوردن و خوابیدن ندارد. این نوع از زندگی همان زندگی منافقان و حیات کفار است که قرآن کریم در رابطه با آنها می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ»<sup>3</sup> و دلیل گرفتاری آنها در این حیات حیوانی به خاطر این است که آنها به زندگی دنیا رضایت داده و با جهل مرکب به همان مطمئن شده‌اند. از این رو می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ»<sup>4</sup> «أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>5</sup>. امیر بیان امام علی (ع) در دوری از چنین حیاتی در نامه معروف خود خطاب به عثمان بن حنیف می‌فرماید: «فَمَا خُلِقْتُ لِيشغَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هَمُّهَا عَافِيهَا أَوْ الْمُرْسَلَةِ شُغْلُهَا تَقْمَمُهَا...»<sup>6</sup> معنای این سخن حضرت امیر (ع) این نیست که مقام و

1. حسین انصاریان، زیبایی‌های اخلاق، چاپ اول، قم: ناشر دارالعرفان، تابستان 1382، ص 157.158

2. عبدالله جوادی آملی، جامعه در قرآن، چاپ اول، قم: انتشارات اسراء، 1387 ه.ش، ص 168

3. سوره محمد (47) آیه 12 «و کسانی که کفر ورزیدند استفاده از زندگی و خوراکشان همانند چهارپایان است».

4. سوره یونس (10) آیه 7. «همانا آنان که (به آخرت معتقد نشدند) به لقاء ما دل نبسته و به دیدار ما امید ندارند و به زندگی حیوانی پست دنیا دل بسته‌اند و آنهایی که از آیات و نشانه‌های ما غافلند».

5. همان آیه 8. «ایشان به اعمالی که انجام داده‌اند جایگاهشان در جهنم است».

6. علی بن ابی‌طالب (ع)، نهج البلاغه (ترجمه دشتی)، 1جلد، چاپ هشتم، قم: نشر مشرقین، آذرماه 1379، نامه 45، ص 555. «آفریده نشده‌ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد، چونان حیوان پرواری که تمام همّت او علف، و یا چون حیوان رها شده که شغلش چریدن و پر کردن شکم بوده، و از آینده خود بی‌خبر است...».

جایگاه انسان محدود باشد بلکه او خود با اراده‌اش جایگاه خویش را تنزل بخشید و قلمرو حیاتش را با زندگی حیوانات نزدیک نمود.

### 1-2-1-1-3-3 حیات انسانی

از جمله مراتب حیاتی که می‌توان برای انسان تصور نمود و بالاتر از حیات مادی و حیوانی قرار دارد؛ حیات انسانی است. حیات انسانی از جمله حیات متألّهانه‌ای است که در فرهنگ قرآن، این حیات از راه ایمان و اعتقاد به خدا و آشنایی به معاد و علوم و معارف الهی بدست می‌آید. حیات انسانی همان حیات طیبه‌ای است که قرآن درباره آن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»<sup>1</sup>.

فرق حیات حیوانی با حیات انسانی در این است که «قلمرو حیات حیوانی، بهره‌برداری از خیال و وهم است و لازم حیات انسانی، استفاده از عقل و آموزه‌های دینی است و چون حیطة عقل فراتر از وهم است، حیات مبتنی بر آن دو نمی‌تواند یکسان باشد»<sup>3</sup> اما آنچه که موجب می‌شود انسان از حیات حیوانی خارج شده و به حیات انسانی ارتقاء پیدا کند، استفاده کردن از استعداد درونی و به خدمت گرفتن قوه عاقله و زعیم قرار دادن آن بر قوه وهم و خیال است.<sup>4</sup> اگر آدمی گام را فراتر نهاده و از حیات حیوانی به سوی حیات انسانی قدم بگذارد، حیات طیبه نصیب او خواهد شد، و الا با فرو رفتن در دنیای شهوات و در خدمت وهم و خیال بودن، انسان را به حیات حیوانی گرفتار بلکه از آن نیز پست‌تر خواهد کرد.

### 1-2-1-1-4-3 حیات الهی، یا معنوی

بالاترین و با ارزش‌ترین مرتبه از حیاتی که می‌توان برای انسان در نظر گرفت، حیات الهی یا همان حیات معنوی است. در این نوع از حیات «آدمی با بهره‌گیری از عقل و تسلیم در برابر نقل قادر است حیات انسانی خود را رقم زند؛ اما حیطة حیات وی می‌تواند از این حوزه هم فراتر رود. این موجود مادی چون دارای روح الهی است: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»<sup>5</sup> می‌تواند پا را از عالم ماده فراتر گذاشته و در عالم ملکوت سیر کند. در این مرتبه از حیات است که انسان با تلاش از مقام عبودی به قرب جایگاه ربوبی بار یافته و زمان و مکان را درمی‌نوردد و با

1. سوره نحل (16) آیه 97

2. اقتباس از عبدالله جوادی آملی، تسنیم، جلد 22، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء، 1385، جلد 9، ص 588

3. عبدالله جوادی آملی، جامعه در قرآن، ص 163

4. همان، ص 161

5. سوره حجر (15) آیه 29 و سوره ص (38) آیه 72

این که به ظاهر در این عالم است، در واقع به باطن آن عالم مرتبط است.<sup>1</sup> اگر انسان به این نوع از حیات دست پیدا کرد می تواند یقیناً به حیات طیبی که خداوند در قرآن به آن وعده داده است امیدوار بوده و سعادت دنیا و آخرت را برای خود به ارمغان آورد.

### 2-1-2-1. حیات حقیقی

حال پس از پرداختن به مراتب حیات، سؤالی که مطرح می شود اینکه؛ با توجه به این مراتب، از منظر اسلام، حیات حقیقی انسان کدام است؟ و حیات طیبیه جزء کدام یک از این مراتب به شمار می رود؟ و این که خدا در قرآن از مؤمنان خواسته است تا در پرتو اجابت دعوت خدا و پیامبر به حیات برسند، مقصود کدام حیات است؟

حضرت آیه الله جوادی آملی در پاسخ به این پرسش می فرماید: از منظر اسلام، ماهیت و حقیقت حیات به حرکات و سکناات ظاهری انسان، مفهوم حقیقی برای حیات نیست، بلکه حیات حقیقی از جامعیتی برخوردار است که از زوال و ذبول مبراست. قرآن به پیروان خود می آموزد که از نگاه محدود ظاهری به حیات پرهیز کرده و با اندیشه واقع بینانه به آن بنگرند. حیات بدین معنا نیست که آدمی چند صباحی در نشئه طبیعت چون گیاهان و حیوانات حرکت و احساسی داشته باشد و با سپری ساختن روزگار، پرونده حیات او بسته شود، بلکه این نازل ترین مرتبه حیات و لازم حیات حقیقی اوست. انسان در این مرتبه حیات دارد؛ لیکن حیات حقیقی او این نیست. وی زنده است به حیات حسی و خیالی؛ اما مرده است به حیات عقلی و معنوی. بر همین اساس، قرآن کریم با دقیق ترین تعبیرها همین انسان های زنده جوامع بشری را به حیات دعوت می کند. اگر حقیقت حیات همین تحرک و تنفس و گذراندن روزگار با اشتغال به امور مختلف فردی و اجتماعی بود، چه لزومی داشت خداوند بشر را با چنین پیامی به حیات فراخواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»<sup>2</sup> این نکته با بداهت عقلی روشن و ثابت است که مراد از حیات در این آیه، حیات ظاهری و جسمانی نیست، زیرا مخاطب آیه کسانی هستند که از این حیات برخوردارند. اگر مقصود از حیات همین معنای ظاهری و سطحی آن بود، نیازی به بیان نداشت، پس هر عقل سلیمی حکم می کند که مراد از آیه مزبور معنایی دقیق تر و ظریف تر از زندگی یعنی حیات حقیقی انسان بر

1. عبدالله جوادی آملی، جامعه در قرآن، ص 163

2. سوره انفال (8) آیه 24. «ای کسانی که ایمان آورده اید، اجابت کنید دعوت خدا و رسولش را، هنگامی که شما را دعوت می کنند به سوی آنچه که به شما حیات می بخشد.»

مبنای اندیشه و ایمان به خداست که در جهت هدف منطقی و متعالی قرار گرفته است. تحصیل این حقیقت جز از راه علم، ایمان و عمل صالح میسر و مقدور کسی نیست و این همان حیات طیبه‌ای است که خداوند مؤمنان را بدان وعده داده است.<sup>1</sup>

خلاصه این که، «حیات حقیقی انسان به زندگی مادی محدود نیست، آن گونه که برخی منکران مبدأ و معاد می‌پنداشتند و در مقابل پیامبر (ص) می‌گفتند: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا»<sup>2</sup> «إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ»<sup>3</sup> خداوند سبحان در مقابل چنین اوهام و خیالات خام از مفهوم حیات پرده برداشت و فرمود: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»<sup>4</sup> حیات حقیقی انسان حیاتی است که سیر آن در جهت اهداف اخروی قرار گرفته و پرده‌های حجاب اوهام را که حایل میان ظاهر و باطن است کنار زده و بر مدار حقیقت هستی قرار گیرد.<sup>5</sup>

### 1-2-3-1. مفهوم لغوی و اصطلاحی طَیْبَه

راغب در مفردات، «طَیْبَه» را از ریشه طاب به معنی پاک و پاکیزه و دلچسب و پسند شدن دانسته و می‌گوید:<sup>6</sup> اصل طَیْب آن است که حواس ظاهری و باطنی از آن لذت می‌برد، و هر آن چیزی است که روح و روان از آن مستلذ می‌گردد.<sup>7</sup> و از آنجایی که در قرآن به همراه «حلال» آمده است «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا»<sup>8</sup> آن را به پاکیزه تفسیر کرده‌اند و گفته‌اند: طیب به چیزهایی گفته می‌شود که با طبع آدمی موافق باشد و در قرآن به بسیاری از موضوعات اطلاق شده است (البلد الطیب - مساکن طيبة - ریح طیب - حیاة طيبة و ...). و هر چیز پاکیزه را نیز «طیب» می‌گویند، زیرا طبع آدمی ذاتاً از اشیاء ناپاک متنفر است.<sup>9</sup> و نیز آورده‌اند که، کلمه (طَیْب) در مقابل کلمه (خبیث) معنای ملایمت با نفس و طبع هر چیزی

1. عبدالله جوادی آملی، جامعه در قرآن، ص 171 - 173

2. سوره جاثیه (45) آیه 24

3. سوره مؤمنون (23) آیه 37.

4. سوره عنکبوت (29) آیه 64.

5. عبدالله جوادی آملی، جامعه در قرآن، ص 173

6. «طاب الشيء يطيّب طيباً فهو طيبٌ واصل الطيب ما تستلذه الحواس و ما تستلذه النفس»

7. حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص 314.

8. سوره بقره (2) آیه 168.

9. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، 27 جلد، چاپ سی و دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1374، ج 4، ص 290.

را می دهد، مثل کلمه طیب، که به معنای آن سخنی است که گوش از شنیدنش خوش آید و عطر طیب که به معنای آن عطری است که شامه آدمی از بوی آن خوشش آید و مکان طیب یعنی آن محلی که با حال کسی که می خواهد در آن محل جا بگیرد سازگار باشد.<sup>1</sup>

### 1-2-1-4. شرط برخورداری از حیات طیبه

حیات طیبه از جمله حیات با ارزشی است که به طور صریح در قرآن کریم به آن اشاره شده و در آیه ای می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>2</sup>

حال با توجه به شناختی که از معانی لغوی حیات، طیبه و مراتب حیات و همچنین حیات حقیقی پیدا کردیم روشن می شود، حیات طیبه ای که خداوند در این آیه وعده آن را داده است، در صورتی می توان صاحب چنین حیاتی شد که، حیات انسان از نوع حیات حقیقی و مرتبه کامل و جامع حیات الهی و معنوی باشد. و در صورتی که انسان ناچار گردد که از میان دو نوع حیات مادی و معنوی یکی را انتخاب کند، از دیدگاه قرآن باید حیات مادی را فدا سازد و حیات معنوی را برگزیند. کسانی که معنای حقیقی حیات را دریافته اند همیشه این ترجیح و گزینش را در نظر دارند، مانند رزمندگان و مجاهدان در راه خدا که قرآن درباره آنها می فرماید: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ»<sup>3</sup>.

بنابر این طبق آیه قرآن کریم، «اساس و پایه این حیات، ایمان به خدا و روز قیامت، و یقین به نبوت پیامبران و وحی و فرشتگان است. و نتیجه این حیات، آرامش و امنیت، رفاه و صلح، محبت و دوستی، تعاون و تقوا، کرامت و صدق، و باز شدن روزنه های قلب برای دریافت الهام و حکمت، و پدید شدن نیروی ولایت در باطن، و قناعت به حلال خدا، و کوشش برای رفع مشکلات مردم، و تبلیغ حقایق و پاکسازی محیط از فحشا و منکرات است و در حقیقت زندگی انسان در این عرصه با ارزش، فرشته گونه خواهد بود، یعنی زندگی و حیاتی

1. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 1، ص 417.

2. سوره نحل (16) آیه 97.

«کسانی که عمل شایسته انجام دهند در حالی که با ایمان باشند خواه مرد یا زن به آنان حیات طیبه می بخشیم و پاداششان را بر پایه بهترین اعمالی که همواره انجام می دادند خواهیم داد.»

3. سوره نساء (4) آیه 74. «پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می کنند در راه خدا بجنگند. کسانی که این گزینش را انجام ندهند، ناچار در روز قیامت ندامت خواهند کشید.»

4. اقتباس از عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء، 1375، ص 180

که از انواع آلودگی‌های ظاهری و باطنی پاک و پاکیزه است.<sup>1</sup> آنچه گفته شد در رابطه با واژه شناسی حیات طیبه بود. ان شاء الله در ادامه به معنای حیات طیبه از نظر چند تن از اندیشمندان مسلمان اشاره خواهد شد.

## 1-2-2. سبک زندگی

سبک زندگی از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و علم جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است که در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است. با توجه به اینکه عنوان نوشتار حاضر در رابطه با حیات طیبه است، از این رو تلاش شد دربارهٔ واژه شناسی حیات طیبه مطالبی را بیان کنیم، و با توجه به اینکه حیات طیبه و سبک زندگی اسلامی بیان‌کننده و روشن‌کنندهٔ یک مسیر هستند، از این رو، در این بخش از تحقیق لازم دیده شد، ابتدا به ارائه تبیینی واژه شناسانه از مفهوم سبک زندگی، و سپس به بررسی سبک زندگی اسلامی و رابطهٔ آن با حیات طیبه بپردازیم.

### 1-2-2-1. واژه شناسی

عبارت «سبک زندگی»<sup>2</sup> در شکل نوین آن اولین بار توسط «آلفرد آدلر»<sup>3</sup> در سال 1929 م. در روانشناسی ابداع شد. این عبارت به منظور توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان مورد بهره‌برداری قرار گرفت. «سبک زندگی» در زبان‌های مختلف و در شکل‌های مختلف یاد شده، معادل واژه «سبک» در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و «در زبان آلمانی (Lebenstil) و در زبان انگلیسی از شکل (Style of Life / Living), (Life Style) در گذشته و امروز بیشتر به صورت (Lifestyle) استفاده می‌شود. این ترکیب از دو واژه سبک (style) و زندگی (Life) تشکیل می‌شود. معنای لغوی واژه زندگی روشن و بدیهی است، اما در تعریف واژه سبک در لغت نامه‌ها معانی گوناگونی درج شده است که البته ریشه در کاربرد آن در علوم مختلف دارد.<sup>4</sup>

### 1-2-2-2. مفهوم سبک زندگی

گفته شده سبک زندگی از جمله مفاهیم وارداتی و تولید شده در بستر مدرنیته غربی بوده و از واژگان بین رشته‌ای تلقی می‌شود. و دلیل بر این مدعا را، ورود دانش پزشکی و دین‌شناسی به

1. حسین انصاریان، زیبایی‌های اخلاق، ص 158.157

2. «life style»

3. «Alferd adler»

4. محمد سعید مهدوی کنی، دین و سبک زندگی، چاپ دوم، تهران: ناشر دانشگاه امام صادق (ع) 1387، ص 46 -

این حوزه دانسته‌اند. و همچنین گفته شده، سبک زندگی به عنوان مقسمی است برای اقسام و انواع سبک‌های مختلفی از زندگی با رویکردهای متفاوت؛ مانند سبک زندگی اسلامی، غربی، شرقی، و یا سبک زندگی در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ...<sup>1</sup> از این رو تعاریف مختلف و متعددی برای آن بیان شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

«سبک زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در بر می‌گیرد. موسیقی عامه، تلوزیون، آگاهی‌ها، همه و همه، تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند»<sup>2</sup>، آلفرد آدلر، روان‌شناس آلمانی در مورد سبک زندگی تعابیر متعددی دارد که جهت اختصار به یک نمونه اشاره می‌شود. او می‌گوید «سبک زندگی یعنی کلیت بی‌همتا، و فردی زندگی، که همه فرایندهای عمومی زندگی تحت امر کلیتی به نام سبک زندگی قرار دارد.»<sup>3</sup>

حضرت آیه الله خامنه‌ای که در دوران کنونی این بحث را احیا نمودند، سبک زندگی را بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی برشمرده و در تعریف آن می‌فرمایند: سبک زندگی عبارتست از شیوه زیستن و رفتار اجتماعی. و همچنین می‌فرمایند؛ در واقع سبک زندگی به همه مسائلی بر می‌گردد که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند.<sup>4</sup> در کتاب دین و سبک زندگی، آورده شده، «سبک زندگی به معنای الگوی همگرا (کلیت) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه) اش و تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. یا به اختصار سبک زندگی: الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجع است.»<sup>5</sup> در تعریف دیگر این‌گونه بیان شده است که: سبک زندگی «روش نوعی زندگی فرد، گروه یا فرهنگ و نیز روش خاصی از زندگی یک شخص و یا گروه.» و همچنین، «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه.» و نیز «عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و غیره که با هم طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد.»<sup>6</sup>

1. اقتباس از مجتبی فیضی، در آمدی بر سبک زندگی اسلامی، ماهنامه معرفت، ش دوره؛ دوم، ش مجله 185، اردیبهشت 1392، ص 28-29

2 سبک زندگی، قابل دسترسی در: <<http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A8%DA%A9>> دوازدهم آذر 1393

3 محمد سعید مهدوی کنی، ص 122.

4 سید علی خامنه‌ای، بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی در تاریخ 91/7/23، قابل دسترسی در

<http://farsi.khamenei.ir/speech.content?id=21252>، دوازدهم آذر 1393

5 محمد سعید مهدوی کنی، ص 78.

6. به نقل از محمد سعید مهدوی کنی، ص 51.

برخی سبک زندگی را جزء هویت انسانی دانسته و می‌نویسند: «سبک زندگی نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام‌واره هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد.»<sup>1</sup> در تعرف دیگر آمده: «سبک زندگی شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند؛ یعنی راهی است برای رسیدن به اهداف.»<sup>2</sup>

با توجه به مبنای تحقیق ما می‌توان گفت، سبک زندگی به مجموعه‌ای از رفتارهای فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود که، بیان‌کننده نوع و روشی است که فرد برای پیش‌برد زندگی فردی و اجتماعی خود آنها را به کار می‌گیرد. و بعضی از این روشها ثابت هستند و بعضی دیگر متغیر می‌باشد. و نیز سبک زندگی را می‌توان روشی دانست که مشخص‌کننده هویت جامعه از نظر دینی و غیر دینی است، بر این اساس آنهایی که به دین خاصی معتقد هستند سعی می‌کنند رفتارهای خود را با آموزه‌های دینی و اخلاقی خود تطبیق دهند، و آنها که از دین و آیین خاصی پیروی نمی‌کنند، در اکثر مواقع زمان، اعتقادات قومی و محلی، سبک زندگی آنها را تعیین می‌کند.

همان‌گونه که بیان شد، در موضوع سبک زندگی با طیف وسیعی از تعاریف مواجه هستیم که هر کدام بر اساس بینش و نگرش خاصی مورد تأکید قرار گرفته‌اند.<sup>3</sup> به طور مثال در تعریف روانشناسانه بیشتر به بعد فردی و شخصیتی پرداخته شده، و در تعاریف جامعه‌شناسانه بیشتر بر هنجارهای اجتماعی افراد و توصیف نگرش و منش اجتماعی افراد در جامعه تأکید شده است. آنچه در پژوهش حاضر مبنای بحث قرار دارد تعریف اخیر خواهد بود.

### 1-2-3. سبک زندگی اسلامی

همان‌گونه که بیان شد سبک زندگی به یک نوع شیوه زیستن و رفتار اجتماعی اطلاق می‌شود. و این شیوه می‌تواند در نظامها و مکاتب مختلف به گونه‌ای متفاوت از همدیگر نمود داشته باشد. به طور مثال شیوه و سبکی که اسلام برای زندگی ترسیم می‌کند، با روشی که امروزه در جامعه غیر دینی و دنیای غرب بر زندگی‌ها حاکم است فرق می‌کند. و می‌توان گفت، تفاوت سبک زندگی اسلامی با سایر سبکها در این نکته نهفته است که؛ «از آن جهت که سبک است به رفتار می‌پردازد و با شناخت و عواطف ارتباط مستقیم ندارد، ولی از آن جهت که اسلامی

1. احمد حسین شریفی و همکاران، همیشه بهار، چاپ دوم، قم: ناشر دفتر نشر معارف، تابستان 1391، ص 27، 28.

2. محمد کاویانی، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، چاپ اول، قم: چاپ سبحان، 1391، ص 16.

3. برای اطلاعات بیشتر، ر، ک، به دین و سبک زندگی، محمد سعید مهدوی کنی، ص 79.



است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. بر این اساس، در سبک زندگی اسلامی، عمق اعتقادات و عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود، بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت‌ها و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. به طور مثال حتی رفتاری مثل نماز اگر اعتقاد به خدا و معاد را پشتوانه خود نداشته باشد، رفتار اسلامی محسوب نمی‌شود، چنانکه رفتارهای مرتاضان و صوفیان، اسلامی نیست.<sup>1</sup>

### 1-2-2-3-1. رابطه سبک زندگی اسلامی با حیات طیبه

واقعیت آن است که اسلام با صور مختلف حیات قابل جمع نیست، چنین نیست که هر کس هر سبکی از زندگی را اختیار کرد، اسلام نیز آن را امضاء کرده باشد. بلکه اسلام صورت و شیوه‌ای خاص و ویژه از حیات را اقتضاء دارد و این صورت خاص همان حیاتی است که خداوند متعال در قرآن از آن به «حیات طیبه» تعبیر کرده است. از این رو سبک زندگی اسلامی رابطه‌ای بسیار تنگاتنگ با حیات طیبه دارد. چرا که با توجه به آیات و روایات، گویاترین تعبیر درباره سبک زندگی در دین مبین اسلام، اصطلاح حیات طیبه است. لذا در صورتی یک حیات به طیب متصف خواهد بود که مجموعه رفتارهای یک فرد و جامعه مطابق با موازین اسلامی و رعایت حدود الهی و شرعی باشد.

از این رو سبک زندگی اسلامی یعنی؛ دعوت جامعه به حیات طیبه. حیاتی که از انواع آلودگیها، ظلمها، خیانتها، عداوتها و دشمنیها، اسارتها و ذلتها، و انواع نگرانیها و هر چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد، پاکیزه باشد. و نتیجه این پاکیزگی، تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود. جامعه‌ای که از نابسامانیها و درد و رنجهایی که بر اثر استکبار، ظلم، طغیان، بت‌پرستی و انحصار طلبی بوجود می‌آید، در امان است. و خداوند متعال نیز رسولان خود را برای نیل به این اهداف مقدس و متعالی فرستاده و زندگی آنها را به عنوان بهترین الگو و نمونه برای پیشبرد اهداف معرفی کرده و در آیه‌ای، برای انتخاب بهترین سبک زندگی، زندگی پیامبر اسلام را توصیه نموده و می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»<sup>2</sup> شاید بتوان گفت که پیدایش و ظهور عبارت سبک زندگی در

1. محمد کاویانی، ص 18

2. سوره احزاب، (33) آیه 21. «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

فرهنگ اسلامی زمان نزول همین آیه باشد. با این وصف اگر سبک زندگی، با آموزهای قرآنی و وحیانی و سیره نبوی و همسو با توصیه‌ها و مطابق زندگی اهل بیت (علیهم السلام) باشد انسان را به حیات طیبی که در آن روابط انسان با خدا، روابط انسان با طبیعت و روابط انسان با انسانهای دیگر تنظیم می‌باشد، رهنمون می‌سازد. خلاصه اینکه در ارتباط سبک زندگی با حیات طیبیه، می‌توان گفت به مجموعه فعالیت طیب و اعمال صالحه‌ای که فرد، میان زمان تولد تا مرگ خود با روش صحیح و با هدف سعادت انجام می‌دهد.<sup>1</sup>

### 1-2-2-3-2. ابعاد اجتماعی سبک زندگی

سبک زندگی مجموعه رفتارهایی است که بخش مهمی از آن هم در زندگی فردی افراد قابل مشاهده و اجراست و هم در زندگی اجتماعی از اهمیت بسزایی دارد. از این رو برای ساختن جامعه‌ای سالم و پاک، علاوه بر حیات فردی، باید حیات اجتماعی نیز در نظر گرفته شود. زندگی فردی شالوده زندگی اجتماعی است و برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی باید نگاه و برنامه‌های اسلام را در خصوص زندگی فردی و اجتماعی در نظر گرفت. لذا بدون توجه توأمان به زندگی فردی و اجتماعی؛ دستیابی به حیات طیبیه ناممکن خواهد بود.

اما آنچه که در سبک زندگی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و تحقیق حاضر نیز در پی پرداختن به آن مسئله می‌باشد؛ توجه به رفتارهایی است که در زندگی اجتماعی صورت می‌گیرد. چرا که فرد جدای از زندگی فردی، در جامعه قرار دارد، هم تأثیرگذار بر جامعه است، و هم تأثیرپذیر. بنابراین شخصیت فرد، نگرش، دانش و روش او تحت تأثیر هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی است. از همین رو با توجه به اهمیت این مسئله، چند نمونه از ابعاد اجتماعی سبک زندگی که حضرت آیه الله خامنه‌ای نیز به آنها اشاره نمودند به صورت فهرست‌وار بیان می‌کنیم. در ضمن، ان شاء الله در فصل پایانی تحقیق مواردی از آنها را به عنوان ابعاد اجتماعی حیات طیبیه، به صورت مبسوط، بیان خواهیم کرد.

سبک زندگی مانند: شیوه زیستن در «خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با

1. اقتباس از علیرضا کشاورز بارگاهی، رابطه سبک زندگی با حیات طیب، قابل دسترسی در

<http://www.imamatjome.com/Articles/ArticlesShow.aspx?Id=3379> 1 آبان 1392

همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه.» (وماند آن) اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. این رفتارها از جمله متغیرهایی هستند که علاوه بر دخیل بودن آنها در شکل‌گیری سبک زندگی؛ همچنین جلوه‌های رفتاری ظهور خارجی شخصیت ما در محیط زندگی و نشانی از عقاید، باورها، ارزش‌ها و علاقه‌های ما است و ترکیب آنها ترکیب شخصیت فردی و اجتماعی ما را می‌نمایاند.<sup>1</sup>

### 1-2-3. دعوت قرآن به حیات طیبه

حیات طیبه یک اصطلاح قرآنی است که خداوند متعال بر هر انسانی که شرایط دست‌یابی به آن را داشته باشد ارزانی داشته، و با ذکر ملاک دست‌یابی می‌فرماید: «وَلَا تَشْتُرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ \* مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>2</sup>

طبق این آیات، بین انسان و پروردگار جهانیان، عهد و پیمانی است که در صورت پایبندی بر آن، قطعاً درهای کمال و فضیلت و معنویت بر روی او گشوده خواهد شد و آدمی را به «حیات طیبه» و سبک زندگی آرمانی و نوین رهنمون خواهد ساخت، در این آیه به دو نکته اساسی اشاره شده است که در نوع خود مورد توجه است:

#### الف. ارکان اصلی حیات طیبه در قرآن

آیه مذکور به صراحت ایمان و عمل صالح را به عنوان دو رکن اصلی برای برخورداری از این نعمت می‌داند، دو رکنی که در بسیاری از آیات قرآن کنار یکدیگر ذکر شده‌اند و از همدیگر قابل تفکیک نیستند. از این رو، راه یافتن به «حیات طیبه»، پاداش صبر و بردباری مؤمنانی است که، علاوه بر نقض نکردن عهد و پیمان با خدا، عمل صالح نیز در کارنامه خود داشته باشند.

1. سید علی خامنه‌ای، بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی، در تاریخ 91/7/23

2. سوره نحل (16) آیات 95 الی 97 «و (هرگز) پیمان الهی را با بهای کمی مبادله نکنید (و هر بهایی در برابر آن ناچیز است!) آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است اگر می‌دانستید. آنچه نزد شماست فانی می‌شود؛ اما آنچه نزد خداست باقی است؛ و به کسانی که صبر و استقامت پیشه کنند، مطابق بهترین اعمالی که انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد. هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.»

البته نکته قابل توجه اینکه عمل صالح دارای مفهوم وسیع و گسترده‌ای است که تمام فعالیت‌های مثبت و مفید و سازنده را در همه زمینه‌های علمی، فرهنگی و سیاسی، اقتصادی، نظامی چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی را شامل می‌شود و ما قصد داریم در این تحقیق بیشتر به بعد اجتماعی حیات طیبه اشاره کنیم، چرا که؛ حیات طیبه بدون اجتماع قابل دسترسی نیست.

### ب. عدم تفاوت بین زن و مرد

با وجود تفاوت‌هایی که از نظر جسم و روح بین زن و مرد وجود دارد، ولی بر اساس منطق اسلام و قرآن، بین زن و مرد و دیگر قیود و شرایط مانند سن، نژاد، جنسیت، پایگاه اجتماعی و... هیچ تفاوتی وجود ندارد.

## 1-2-4. حیات طیبه در دعا و روایات

حیات طیبه نه تنها در قرآن کریم به آن اشاره شده، بلکه در دعاها و روایات نیز مورد توجه قرار گرفته. از این رو به چند نمونه اشاره می‌شود.

امام زین العابدین (ع) در دعای ابوحمره، حیات طیبه را همراه با سه خصوصیت مطرح نموده است. «وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ وَحَسَنَتْ عَمَلُهُ وَآتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتِكَ وَرَضِيَتْ عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغَ الْكِرَامَةَ وَأَتَمَّ الْعَيْشَ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ»<sup>1</sup> طبق دعای امام سجاد (ع) حیات طیبه، حیاتی نیست که در آن لذت‌های زندگی موقتی و زودگذر بوده یا کرامت انسانها در آن لحاظ نشده و عیش و نوشها در آن اقل باشد؛ بلکه حیاتی است که در آن سرورها و شادمانی‌ها و خوشی‌های زندگی پایدار و بادوام است، کرامت در آن فراگیر و تمام‌ترین عیش‌ها در چنین زندگی نهفته است.

از امام علی (ع) معنی فرمایش خدای عزوجل (فَلْنَحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً) که فرموده‌اند بنده صالح نیکوکار را زندگانی نیکوئی دهیم را پرسیدند، آن حضرت (در تفسیر آن) فرمود: (هِيَ الْقَنَاعَةُ) آن زندگانی نیکو، قناعت است. زندگانی با قناعت خوش و نیکو است، و حریص، زندگانش تلخ و تنگ است اگر چه بسیار دارا باشد.<sup>2</sup> و همچنین در روایت دیگری از قول خداوند متعال (فَلْنَحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً) سؤال شد، فرمودند: «...رَزَقَهُ الْقَنَاعَةَ وَلَا أَحْوَجَهُ إِلَى أَحَدٍ»<sup>3</sup> این

1. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، 1403 ق، ج 95، ص 91 «خدايا مرا در زمره کسانی قرار ده که عمرش را دراز، و کردارش را نیکو گردانیده‌ای و نعمت را بر او تمام کرده‌ای و از وی خرسندی، و زندگی خوش و توام با پایدارترین شادمانی و کامل‌ترین کرامت و معیشت عطایش فرموده‌ای.»  
2. محمد بن حسین شریف الرضی، ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)، دو جلد، چاپ پنجم، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، 1379 ش، ج 6؛ ص 1188.  
3. مسعود بن عیسی ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، دو جلد، چاپ اول، قم: مکتبه فقیه، 1410 ق، ج 2، ص 230.

حدیث بیانگر این مطلب است که، یکی از شاخصه‌های حیات طیبه، محتاج نبودن به دیگران، و نان از عمل خویش خوردن است.

تفسیر حیات طیبه به قناعت، در این گونه از روایات، به معنای محدود ساختن مفهوم آن به قناعت نمی‌باشد، بلکه حضرت علی (ع) خواستند به این نکته متذکر شوند که؛ با رعایت قناعت در زندگی و عمل به آن، می‌توان به همه مصادیقی که احیاگر حیات طیبه هستند، دست پیدا کرد. به عبارتی، نتیجه به کارگیری قناعت در زندگی، چنان وسیع است که؛ دیگر مصادیق حیات طیبه نیز تحت پوشش قرار می‌گیرند. چرا که قناعت، از جمله صفات اخلاقی نیکو و پسندیده‌ای است که با رعایت آن، امنیت و آرامش، به عنوان یکی از مهمترین اثر قناعت، در زندگی حاکم می‌شود، و در سایه امنیت و آرامش، زندگی گوارا خواهد بود. از این رو حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «الْقَنَاعَةُ أَهْنُ عَيْشَةٍ»<sup>1</sup> امروزه وقتی از مردم، در رابطه با گذران زندگی سؤال می‌شود، همه از نارضایتی دم می‌زنند، همه از کاستیها و نارساییها می‌نالند، دلیل این امر چیزی نیست جز قانع نبودن به داشته‌ها. اگر امروزه مشاهده می‌شود، قدرتهای بزرگ در فکر چپاول دیگر کشورها و ملتها هستند؛ فلسفه‌ای جز قانع نبودن به حق خودشان نیست. لذا همه به نوعی در تلاشند تا در جمع‌آوری مال و منال از دیگران سبقت بگیرند، این همان زندگی حیوانی و حیات خبیثه‌ای است که فقط با روح قناعت می‌توان به حیات طیبه تبدیل کرد.

### 1-2-5. حیات طیبه در کلام اندیشمندان مسلمان

در مورد حیات طیبه، تعاریف و تفاسیر مختلفی وجود دارد که به چند مورد از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود. تفسیر نمونه ذیل آیه‌ای که ذکر شد، مفهوم حیات طیبه را ابتدا از تفاسیر دیگر نقل کرده و می‌نویسد: «مفسران در معنی «حیات طیبه» تفاسیرهای متعددی آورده‌اند، بعضی آن را به معنی روزی حلال تفسیر کرده‌اند، بعضی به قناعت و رضا دادن به نصیب، بعضی به رزق روزانه، بعضی به عبادت توأم با روزی حلال، و بعضی به توفیق بر اطاعت فرمان خدا و مانند آن. و سپس مفهوم حیات طیبه را فراتر از این معانی دانسته و می‌نویسد: حیات طیبه، مفهومی آن چنان وسیع و گسترده است که همه اینها و غیر اینها را در بر می‌گیرد.

«خداوند قناعت را به کسی که عمل صالح انجام داده و عمل او همراه با ایمان باشد، روزی می‌کند. در نتیجه چنین شخصی به احدی محتاج نخواهد شد.»

1. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، مصحح؛ مصطفی درایتی، 1 جلد، چاپ: اول؛ قم: دفتر تبلیغات، 1366 ش. ص 39. «قناعت گواراترین نوع زندگی است.»

آیه الله مکارم شیرازی می فرماید: حیات طیبه یعنی [زندگی که از هر نظر پاکیزه باشد] پاکیزه از آلودگیها، ظلمها و خیانتها، عداوتها و دشمنیها، اسارتها و ذلتها و انواع نگرانیها و هر گونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می سازد. تفسیر نمونه در مورد پاسخ این سؤال که آیا حیات طیبه ای که در این آیه مطرح شده مربوط به دنیا است یا آخرت؟ می نویسد: با توجه به اینکه در دنبال آن، سخن از جزای الهی به نحو احسن به میان آمده استفاده می شود که حیات طیبه مربوط به دنیا است و جزای احسن مربوط به آخرت. و در تأیید دنیوی بودن حیات طیبه به یک روایت از حضرت علی (ع) استناد کرده و می نویسد: در روایتی که در نهج البلاغه از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده می خوانیم: «و سئلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى «فَلنُحْيِيَنَّه حَيَاةً طَيِّبَةً؛ فَقَالَ هِيَ الْقَنَاعَةُ»<sup>1</sup> بدون شک مفهوم این تفسیر محدود ساختن حیات طیبه به قناعت نمی باشد، بلکه بیان مصداق است، ولی مصداقی است بسیار روشن، چرا که اگر تمام دنیا را به انسان بدهند ولی روح قناعت را از او بگیرند همیشه در آزار و رنج و نگرانی بسر می برد، و به عکس اگر انسان روح قناعت داشته باشد، و از حرص و آز و طمع برکنار گردد، همیشه آسوده خاطر و خوش است. همچنین در بعضی از روایات دیگر، حیات طیبه، به معنی، رضا و خشنودی از آنچه خدا داده است تفسیر شده که آن نیز از نظر معنایی به معنای قناعت نزدیک است. ولی هرگز نباید به این مفاهیم جنبه تخدیری داد، بلکه هدف اصلی از بیان رضا و قناعت، پایان دادن به حرص و آز و طمع و هوا پرستی است که عامل تجاوزها و استثمارها و جنگها و خونریزیها، و گاه عامل ذلت و اسارت است.<sup>2</sup>

**علامه طباطبایی** (ره) نیز ذیل آیه «فَلنُحْيِيَنَّه حَيَاةً طَيِّبَةً» در رابطه با حیات می فرماید: «منظور از احیاء و حیات در این آیه به معنای اعطاء و افاضه کردن زندگی به یک شیء می باشد. پس این جمله با لفظ خودش بر این مطلب دلالت دارد که خدای سبحان مؤمنی را که عمل صالح انجام دهد به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران و شرکای شما نیز داده، زنده می کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می دهد، مثلاً حیات خبیث او را به حیات طیبی مبدل می کند که اصل حیات همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد، زیرا اگر مقصود این بود کافی بود که بفرماید: ما حیات او را طیب می کنیم، ولی این گونه نفرمود، بلکه فرمود: ما او را به حیاتی طیب زنده می سازیم.»<sup>3</sup> مرحوم طبرسی می فرماید حیات طیبه یعنی:

1. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، ج 95، ص 91. و نهج البلاغه کلمات قصار شماره 229.

2. اقتباس از ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 11، ص 394.

3. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 12، ص 342.

«رزق و روزی حلال؛ زندگی شرافتمندانه همراه با قناعت و خشنودی؛ بهشت پر طراوت و زیبا و زندگی خوش در آنجا؛ زندگی خوشبختانه در بهشت برزخی.»<sup>1</sup>

حضرت آیه الله جوادی آملی با بیان اینکه حیات طیبه برتر از حیات حیوانی مشترک بین انسان و حیوان است می فرماید: حیات طیبه از جمله حیات سالک الی الله است که با سیر انفسی خود به آن دست پیدا کرده و هر آن کس که طبق قرآن از حسن فاعلی (ایمان) و حسن فعلی (عمل صالح) برخوردار باشد نیز لیاقت دست یابی به چنین حیات پاکیزه و خوش را خواهد داشت. ایشان همچنین آثاری که برای صاحب حیات طیبه در قرآن بیان شده را بالاتر از اثرات حیات مادی و عادی دانسته و این آثار را در چند مورد بیان می کنند:

1. نورانیت دل. «أومن كان ميتاً فأحييناه و جعلنا له نوراً يمشي به في الناس كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها»<sup>2</sup> «و يجعل لكم نوراً تمشون به»<sup>3</sup> و امام سجاد (علیه السلام) چنین نوری را از خدا تقاضا می کند: «هب لي نوراً أمشي به في الناس»<sup>4</sup>

2. تأیید الهی. در این حیات طیب انسان مؤید به روح الهی است: «أولئك كتب في قلوبهم الإيمان وأيدهم بروح منه»<sup>5</sup>

3. استغراق در نعم معنوی. صاحب این حیات طیب، مستغرق در نعم معنوی است؛ حقایق را می بیند و در خود عزت و کرامت می یابد چون به معدن عظمت متصل است. امامان معصوم (علیهم السلام) در مناجات شعبانیه این مقام رفیع را طلب می کردند: «وأنر أبصار قلوبنا بضياء نظرها إليك، حتى تخرق أبصار القلوب حجب النور فتصل إلى معدن العظمة...»<sup>6</sup>

4. فرشته معنوی. انسان در این سیر تا آنجا به پیش می رود که فرشته خوی می شود، بلکه به جایی می رسد که ملک مقرب نیز به آنجا راه ندارد و می تواند معارفی را با قلب مطهر ببیند که فرشتگان نیز از دیدن آن عاجزند. عکس این قضیه نیز صادق است، اگر سیر صعودی نداشت سیر نزولی خواهد داشت به طوری که یا فرشته خوی و برتر از آن می شود و یا بهیمة صفت و گمراه تر از چارپایان: «أولئك كالأنعام بل هم أضل»<sup>7</sup>

1. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، 10 جلد، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، 1372 ش، ج 6، ص 593.

2. سوره انعام (6) آیه 122.

3. سوره حدید (57) آیه 28.

4. علی بن الحسین علیه السلام، امام چهارم، الصحیفة السجادیة، 1 جلد، چاپ اول، قم: دفتر نشر الهادی، 1376 ش، دعای 22، ص 113.

5. سوره مجادله (57) آیه 22.

6. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، مترجم موسی کلانتری دامغانی، چاپ اول، قم: نشر بخشایش، 1380، ص 263.

7. سوره اعراف (7) آیه 179.

5. مشاهده ملکوت. از جمله دست‌آوردهای سلوک الهی مشاهده ملکوت است.<sup>1</sup>

حیات طیبه در کلام حضرت آیه الله سید علی خامنه‌ای: ایشان به عنوان یک عالم دینی و رهبری انقلاب اسلامی در دوره‌ی کنونی، با استفاده از واژه حیات طیبه به صورت مکرر به اهداف اسلامی اشاره کرده و ابعاد آن را توضیح داده و راه رسیدن به آن و چگونگی جمع بین رفاه مادی و آرمان‌های اسلامی و انقلاب را تشریح نموده‌اند. به جرأت می‌توان گفت، هیچ‌یک از اندیشمندان معاصر با این وسعت به تبیین مفهوم قرآنی حیات طیبه نپرداخته‌اند، حتی می‌توان از ایشان به منزله‌ی احیاء کننده‌ی بحث «سبک زندگی اسلامی» یاد کرد. لذا در این قسمت؛ تعریف و مفهوم حیات طیبه، زمینه‌ها و شرایط، راه‌های تحقق و ویژگی‌ها و خصوصیات حیات طیبه را به تفکیک و البته به اختصار از سخنان حضرت آیه الله خامنه‌ای ذکر می‌کنیم.

ایشان در تعریف حیات طیبه می‌فرمایند: حیات طیبه یعنی زندگی‌ای که در آن، هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تأمین است؛ زندگی فردی در آن تأمین است، آرامش روحی در آن هست، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود دارد، فوائد اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است. قرآن این‌ها را به ما وعده داده است. وقتی قرآن می‌گوید: «فلنحییَنَّ حیاة طیبه»، یعنی همه این‌ها؛ یعنی آن زندگی‌ای که در آن عزت هست، امنیت هست، رفاه هست، استقلال هست، علم هست، پیشرفت هست، اخلاق هست، حلم هست، گذشت هست. ما با این‌ها فاصله داریم، باید به این‌ها برسیم.<sup>2</sup>

ایشان با بیان اینکه اسلام به دنبال خوشبختی و سعادت مردم است و این سعادت فقط در پول تنها و منحصر در ذکر دعا و عبادت تنها نیست، حیات طیبه را هم شامل دنیا و هم شامل آخرت دانسته و می‌فرماید: «حیات طیبه اسلامی، زندگی است که در آن، راه رسیدن به معنویت و اهداف و سرمنزل‌های نهایی این راه، از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست. هدف نهایی عبارت است از این که انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر، و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت

1. عبدالله جوادی آملی، توحید در قرآن، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء، 1387 ه.ش، ص 163-162

2. سید علی خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم ساری، در تاریخ ۲۲/۰۷/۱۳۷۴، قابل دسترسی در

< <http://farsi.khamenei.ir/newspart/index?tid=1019&npt=7> > 6 مرداد 1392.



کنند.<sup>1</sup> ایشان همچنین حیات طیبه را شامل امور مادی و معنوی دانسته و می‌فرماید: «...حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن و خداشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند.»<sup>2</sup> ایشان یکی از شاخصه‌های تضمین کننده حیات طیبه را امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده و می‌فرمایند: «همه آحاد مردم باید وظیفه امر کردن به کار خوب و نهی کردن از کار بد را برای خود قایل باشند. این، تضمین کننده حیات طیبه در نظام اسلامی خواهد بود. عمل کنیم تا آثارش را ببینیم.»<sup>3</sup>

حضرت آیه الله خامنه‌ای، لازمه رسیدن به حیات طیبه را، خودسازی و تحت تربیت الهی قرار گرفتن بیان کرده و در این رابطه می‌فرمایند: «در اسلام همه چیز مقدمه‌ی خودسازی انسان است. همه‌ی فرائض، احکام، تکالیف، واجبات، اجتناب از گناهان و نوافل و مستحبات و احکام اجتماعی و فردی، همه و همه مقدمه حیات طیبه است؛ مقدمه زنده شدن انسان با روح انسانی است؛ مقدمه عروج انسان از عالم بهیمنیت و حیوانیت و توحش است. اگر بشر تحت تربیت الهی - که با اراده‌ی خود او قابل تحقق است - قرار گیرد، این حیات طیبه در نفس او به وجود خواهد آمد و محیط را هم طیب و طاهر خواهد کرد و اگر این تربیت الهی نباشد و عزم و اراده‌ای را که انسان برای پیمودن راه خدا با آن، احتیاج دارد از دست بدهد و خود را در دست هواها و هوسهای بشری رها کند، در حد حیوانیت باقی خواهد ماند و حیوانی خطرناکتر از حیوانهای دیگر خواهد شد...»<sup>4</sup>

خلاصه آنکه: با توجه به تفاسیر و تعاریفی که برای «حیات طیبه» بیان شده، می‌توان نتیجه گرفت زندگی جامع، مطلوب و حقیقی جز از راه ایمان به خدا و انجام عمل صالح، نصیب کسی نخواهد شد، و بهترین راه برای رسیدن به این زندگی هدفمند و پاکیزه، پیروی از سبک زندگی اسلامی و تحت تربیت الهی قرار گرفتن می‌باشد.

1. همان، بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان، در تاریخ ۱۸/۰۲/۱۳۸۴

2. همان، بیانات در دیدار مردم ساری، در تاریخ ۲۲/۰۷/۱۳۷۴

3. همان، بیانات در دیدار مردم قم: در تاریخ ۱۹/۱۰/۱۳۶۸

4. همان، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، در تاریخ ۲۸/۱۰/۱۳۷۷

## 2. فصل دوم

### مبانی نظری حیات طیبه

## مبانی نظری حیات طیبه

سبک زندگی انسانها جهت رسیدن به حیات طیبه به یک معنا محصول و معلول باورها و ارزشها است. یعنی شیوه زندگی هر فرد یا جامعه‌ای به باورها و ارزشهای حاکم بر آن فرد یا جامعه وابسته می‌باشد. به همین دلیل، یکی از نیازهای قطعی و اساسی برای داشتن زندگی پاک، سالم و توأم با آرامش و موفقیت، داشتن ایمان و اعتقاد مذهبی صحیح و پایدار است. چرا که باورها و جهان‌بینی توحیدی و ارزشها و ایدئولوژی الهی به شیوه زندگی ما جهت می‌دهد. بنابراین همه عناصر جهان‌بینی و ایدئولوژی را می‌توان بنیانهای شکل‌گیری نوع خاصی از زندگی دانست. در این میان برخی از باورها و ارزشها نقشی کلیدی و سرنوشت‌ساز در طراحی سبک زندگی دارند. مانند اعتقاد به وجود و یگانگی خداوند، نبوت و امامت، معاد و حیات پس از مرگ و...<sup>1</sup> ما در این فصل تلاش خواهیم کرد برخی از مهم‌ترین بنیانهای اعتقادی و ارزشی را که تأثیر مستقیم‌تری در شکل‌گیری حیات طیبه و سبک زندگی اسلامی دارند، تحلیل و بررسی کنیم.

### 1-2. توحید الهی

یکی از وجوه تمایز جامعه الهی نسبت به سایر جوامع بشری این است که جامعه الهی بر مبنای توحید استوار است و افراد در چنین جامعه‌ای، خود را رها و آزاد نمی‌دانند. بلکه با الگو گرفتن از آیاتی چون «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»<sup>2</sup> خدا را همیشه بر افعال و کردار خود ناظر و شاهد می‌دانند. از این رو می‌توان گفت؛ مهم‌ترین باور دینی، در شکل‌گیری مدینه فاضله و دست‌یابی به حیات حقیقی (حیات طیبه) ایمان به خدا و یکتاپرستی است. چرا که، توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدف دار و معنادار باشد و در رفتار با انسجام،<sup>3</sup> وحدت رویه و با آرامش عمل کند.<sup>4</sup> باور به خدا، همه رفتارها و زندگی فردی و

1. اقتباس از، احمد حسین شریفی، ص 47.

2. سوره علق، آیه 14.

3. سوره زمر (39) آیه 29، بقره 156.

4. سوره رعد (13) 28 و فتح 4.

اجتماعی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد.<sup>1</sup> فردی که خدا را ناظر بر اعمال خود و همراه خود می‌داند<sup>2</sup> و او را حتی از رگ گردن<sup>3</sup> نیز به خود نزدیکتر می‌بیند، تلاش می‌کند سبک زندگی خود را طوری پی‌ریزی کند تا با رسیدن به حیات طیّبی که در قرآن به آن وعده داده شده است، رضایت او را جلب نموده و آنگونه که او دوست دارد زندگی کند. از این رو، با توجه به نقش این باور در رسیدن انسان به حیات حقیقی، در این بخش لازم دیده شد، به تعریف توحید، مراتب و ثمره اعتقاد عملی توحید در حیات طیّبه پرداخته شود.

## 2-1-1. تعریف توحید

کلمه توحید در لغت در اصل (وحد) با واو است و دارای دو کاربرد می‌باشد؛ یکی آن که به صورت اسم به کار می‌رود در این صورت به معنی یکی و یک نفر است «إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ»<sup>4</sup> استعمال دوّم آنست که وصف باشد بمعنی یکتا و بی‌همتا و در این استعمال فقط بذات باری تعالی اطلاق میشود چنانکه در مفردات<sup>5</sup> و قاموس تصریح شده است.<sup>6</sup>

کلمه توحید در اصطلاح به معنای اعتقاد به یکتایی و یگانگی خداوند عزوجل و نفی شریک برای او در ذات، صفات، افعال، عبادت، حاکمیت و دیگر صفات خاصه پروردگار است. استاد مطهری در تعریف توحید می‌فرماید: توحید یعنی؛ کلمه «لا اله الا الله».<sup>7</sup> یعنی خدای یگانه را پرستش کردن و غیر او را پرستش نکردن است.<sup>8</sup>

## 2-1-2. مراتب و حدّ نصاب توحید

برای توحید مراتب مختلفی از اندیشمندان مسلمان بیان شده است. در این بین استاد مطهری و علامه جوادی آملی توحید را به دو بخش کلی، نظری و عملی. و سپس توحید نظری را به مراتبی چون؛ توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی تقسیم نموده‌اند.<sup>9</sup> حال با توجه به جامع و کامل بودن این تقسیم به طور خلاصه به آن پرداخته می‌شود.

1. سوره انعام (6) 162 .

2. سوره حدید (57) آیه 4.

3. سوره ق (50) آیه 19.

4. سوره بقره، (2) آیه 180 «آنگاه که مرگ یکی از شما رسید».

5. حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص 530.

6. علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، 7 جلد، چاپ ششم، تهران: ناشر دار الکتب الاسلامیه، 1371، جلد 1، ص 34

7. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، 27 جلد، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات صدرا، فروردین 1383، ج 16، ص 503

8. همان، ج 26، ص 347.

9. عبدالله جوادی آملی، توحید در قرآن، ص 201. و مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 2، ص 99.

### 1-2-1-2. توحید نظری و مراتب آن

توحید نظری متضمن تأمین حسن اندیشه و گزارش علمی سالک بوده و دارای مراتب زیر می باشد.

#### 1-1-2-1-2. توحید ذاتی

توحید ذاتی را به دو صورت می توان معنا کرد:

**الف.** خداوند احد و یکتاست: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»<sup>1</sup> یعنی هستی محض است که درون او جزء راه ندارد و برخلاف شیء مرکب که از چند جزء تشکیل می شود، ذات او از هر جهت بسیط و «لاجزء له» است و در او دو «تا» سه «تا» و هیچ گونه ترکیبی فرض ندارد.

**ب.** خداوند واحد و یگانه است: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»<sup>2</sup> یعنی خدا هستی محض است که «لا شریک له» و «لیس له فی الأشياء شبه» می باشد.

#### 2-1-2-1-2. توحید صفاتی

در تعریف صفت ذات ضابطه های مختلفی بیان شده است؛ گاه گفته می شود صفتی است که منشأ آن تنها ملاحظه ذات خدا بدون دخالت و ملاحظه غیر باشد و زمانی گفته می شود صفتی است که همیشه مقابل آن صفت از خدا نفی می شود؛ مانند حیات، قدرت، علم، عزت، سمیع و بصیر و... که ضد آنها موت، عجز، جهل و... از صفات سلبی خداست. صفت ذات بنابر مذهب طایفه امامیه، عین ذات است و همان گونه که کسی به کنه ذات خدا راه ندارد به کنه صفت ذات نیز راه ندارد. صفات فعل. صفاتی را که از مقام فعل خدای سبحان انتزاع می شود صفت فعل می گویند. صفات فعلی خدا، اوصافی کمالی است که از نوعی نسبت و اضافه بین خدا و مخلوقات او حکایت دارد؛ مانند خالقیت، مالکیت، ربوبیت، رازقیت، ولایت و مدبریت.

#### 3-1-2-1-2. توحید افعالی

توحید افعالی از منظر قرآن کریم یعنی هیچ مؤثر مستقلی در عالم غیر از خدای سبحان نیست و قیومیت هستی، آفرینش، مالکیت، ربوبیت، رازقیت و ولایت که هر یک بر دیگری مترتب است منحصرأ از آن خداست.

#### 2-2-1-2. توحید عملی

توحید عملی تأمین کننده حسن انگیزه و گرایش عملی اوست؛ یعنی انسان چه کند تا خط مشی زندگی او موحدانه باشد؟ جلوه های توحید عملی عبارتند از:

1. سوره اخلاص، (112) آیه 1

2. سوره شوری (42) آیه 11

## 2-1-2-1-2. توحید در عبادت

یعنی غیر از خدا، احدی شایستگی معبود نیست. خواه به نحو استقلال و خواه به نحو مظهریت.

## 2-2-2-1-2. توحید در حمد

حمد در اصطلاح، ستایش در برابر کمال و کار نیک اختیاری است، خواه بهره‌ای از آن کمال به دیگری برسد یا نه؛ و در صورت رسیدن به غیر، دریافت کننده شخص حامد باشد یا غیر او و چه از صاحبان اندیشه باشد یا غیر صاحبان عقل.

## 2-3-2-1-2. توحید در دعا

توحید در دعا یعنی غیر از خدا کسی را نخواندن. یکی از مصادیق بارز و تامّ توحید عملی، دعاست که در روایات از آن به «مخّ العبادة» تعبیر شده است. دعا، یعنی خواندن و خواندن کسی غالباً برای سؤال و درخواست است.<sup>1</sup>

## 3-2-1-2. حد نصاب توحید

استاد مطهری در کتاب "مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی" در مورد حد نصاب توحید (توحید عملی) می‌فرماید: «توحید عملی یا توحید در عبادت یعنی یگانه‌پرستی، به عبارت دیگر، در جهت پرستش حق یگانه شدن. و روشن‌ترین مراتب عبادت، انجام مراسم تقدیس و تنزیه است که اگر برای غیر خدا واقع شود مستلزم خروج کلی از جرگه اهل توحید و از حوزه اسلام است. ولی از نظر اسلام پرستش منحصر به این مرتبه نیست، هر نوع جهت اتخاذ کردن، ایده‌آل گرفتن و قبله معنوی قرار دادن، پرستش است. آن کسی که هواهای نفسانی خود را جهت حرکت و ایده‌آل آن و قبله معنوی خود قرار بدهد آنها را پرستش کرده است. «أَلَا رَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»<sup>2</sup> بنابراین، توحید عملی یا توحید در عبادت یعنی تنها خدا را مطاع و قبله روح و جهت حرکت و ایده‌آل قرار دادن، و طرد هر مطاع و جهت و قبله و ایده‌آل دیگر، یعنی برای خدا خم شدن و راست شدن، برای خدا قیام کردن، برای خدا خدمت کردن، برای خدا زیستن، برای خدا مردن، آنچنان که ابراهیم گفت: «وَجْهَتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ...»<sup>3</sup> «إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ»<sup>4</sup>. این توحید ابراهیمی، توحید عملی اوست. کلمه طیبیه «لا اله الا الله» بیش از

1. اقتباس از عبد الله جوادی آملی، توحید در قرآن. ص 201 الی 542.

2. سوره فرقان (25) آیه 43 «أَيَا دَبْدَبَىٰ أَمْ كَسْرًا كَسْرًا هَوَاهُ نَفْسُ خُودِهَا خُودًا وَ مَعْبُودٌ خُودِشَ قَرَارٌ دَادَةٌ»

3. سوره انعام (6) آیه 79.

4. همان، آیات 162 و 163.

هر چیزی ناظر بر توحید عملی است، یعنی جز خدا شایسته پرستش نیست.<sup>1</sup>

## 2-1-3. ثمره اعتقاد عملی توحید در حیات طیبه

اینکه گفته می شود اعتقاد به توحید و یگانه دانستن خداوند در همه مراتب و صفات، یک وظیفه همگانی است، بدین معنا نیست که انسان در اعتقادات خویش به ذات ربوبی معتقد باشد ولی این اعتقاد و باور در «عمل» هیچگونه ثمره‌ای برای وی و اجتماع معتقد بدان نداشته باشد، بلکه این اعتقاد در عمل آثاری در پی دارد که اگر نمایان شده و به آنها جامعه عمل پوشانده شود، نتیجه‌اش بر پا شدن جامعه الهی و آرمانی، که همان حیات طیبه است خواهد شد.

از این رو علامه جوادی آملی یکی از آثار پای‌بندی و اعتقاد عملی به مراتب توحید را پر شدن نظام از عدل و داد دانسته و می‌فرماید: «اگر در جامعه‌ای باور به یگانگی خداوند متعال اصل قرار بگیرد، جامعه‌ای خواهد بود که افراد آن دائماً در صلح و صفا زندگی می‌کنند؛ اما اگر توحید در جامعه‌ای اصل نباشد، آن جامعه استقرار، امنیت و آرامش نخواهد داشت. و اینکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ»<sup>2</sup> اشاره به این مطلب است که؛ جامعه غیرتوحیدی ثمره‌ای جز پلیدی ندارد.<sup>3</sup>

خلاصه اینکه، سبک زندگی توحیدی «سبب یکرنگی جوامع بشری و از بین برنده امتیازات پوچ و بی‌معنی است. اعتقاد به توحید، منشأ تمام کمالات است، فکر آدمی را از محیط مادی بالاتر برده و با ملکوت اعلیٰ مربوط می‌سازد، توحید آدمی را از بندگی طاغوت‌ها، جلادها و سرمایه‌دارها می‌رهاند و به حکم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» از همه، جز خدا بی‌نیاز می‌کند.<sup>4</sup>

## 2-2. مقدمه بودن زندگی دنیا برای آخرت

نگرش انسان به دنیا به دو صورت می‌تواند باشد؛ یکی اینکه، انسان دنیا را فقط برای رسیدن به دنیا بخواهد؛ یعنی تلاش، برنامه‌ریزی، و هدف او فقط در راستای رسیدن به تمتعات دنیوی و خواهشهای نفسانی و فربه کردن روح و جسم و جان خود باشد. خداوند در مورد این افراد

1. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 2، ص 104.106.

2. سوره ابراهیم، (14) آیه 26 «وَمَثَلُ سَخْنِي نَاطِكٍ چُونِ دَرِخْتِي نَاطِكٍ اسْتِ كِهْ اَز رُوي زَمِينِ كُنْدِهْ شُدِهْ وَ قَرَارِي نَدَارِد.»

3. عبدالله جوادی آملی، جامعه در قرآن، ص 92

4. علی اکبر قرشی، تفسیر أحسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: ناشر بنیاد بعثت 3771 ش، ج 1، ص 483

می فرماید: «... مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»<sup>1</sup> ... دیگر اینکه دنیا هدف نهایی او نیست. بلکه آن را مقدمه‌ای می‌داند برای رسیدن به یک نتیجه مهم‌تر و بالاتر به نام آخرت. خداوند در مورد این افراد می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ...»<sup>2</sup>

در مورد مقدمه بودن دنیا برای آخرت، رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ»<sup>3</sup> این حدیث بیان‌گر این است که، انسان در این دنیا دائماً در حال کشت و زرع می‌باشد، و برداشت این محصول در قیامت اتفاق خواهد افتاد. با این وجود، مزرعه خوب، محصول خوبی خواهد داشت، محصول سرزمینی که پاک و سالم و حاصل‌خیز باشد، گیاهی که در آن به وجود خواهد آمد، الهی، پاک و قابل استفاده خواهد بود. اما محصول سرزمین ناپاک و شوره‌زار، جز گیاه بی‌ارزش، محصولی نخواهد داشت. چرا که، محصول یک زمین، هیچگاه از خود آن زمین جدایی ندارد، از همین رو خداوند در این باره می‌فرماید: «وَ الْأَبْدُ الطَّيِّبُ يُخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ»<sup>4</sup>

بنابر این از آیات و روایات مذکور چنین نتیجه می‌گیریم، کسی می‌تواند هم در این دنیا و هم در آخرت از حیات طیبه برخوردار باشد که؛ زندگی‌ای که خداوند متعال آن را مقدمه‌ای برای آخرت قرار داده، پاک و سالم نگه داشته و محصولی چون؛ ایمان به خدا، ایمان به معاد و عمل صالح کشت نموده باشد. که در این صورت طبق وعده‌ای که در آیه داده، با افزون نمودن محصول، برکت را نیز به ارمغان خواهد آورد. برکتی که با ورود به بهشت تکمیل خواهد شد. و این امر مهم جز پیروی از سبک و روش فرستادگان حضرت حق بدست نخواهد آمد. اما اگر دنیایش را آلوده و نجس کرده و زمین زندگی‌اش را خبیث قرار دهد، علاوه بر بی‌برکتی و کم شدن محصول، هیچ سودی در آخرت جز جهنم برای او نخواهد داشت. حال با توجه به اهمیت و تأثیر این بینش و نگرش در نوع سبک زندگی انسان در ساختن حیات طیبه، پیوستگی دنیا و آخرت را از نگاه دینی پی می‌گیریم.

1. سوره شوری (42) آیه 20

«کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد.»

2. همان. «کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم.»

3. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، ج 67، ص 225.

4. سوره اعراف (7) آیه 58 «سرزمین پاکیزه (و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمینهای بد طینت (و شوره‌زار)، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید؛ اینگونه آیات (خود) را برای آنها که شکر گزارند، بیان می‌کنیم!»



## 2-2-1. پیوستگی زندگی دنیا و زندگی آخرت

یکی از نگرشهایی که موجب می شود انسان به حیات طیبه و زندگی معقول دست پیدا کند؛ باور و اعتقاد به این است که زوال و نابودی در حقیقت وی راه ندارد. او با درس گرفتن از آموزه های دینی و الهی خود، یقین دارد که هستی ابدی انسان، مجموعه ای مرتبط به هم و کاملاً یک پارچه است و هیچ انقطاعی در این مجموعه با مرگ و سفر آخرت پدید نمی آید و تعویض لباس مادی و دیگر امور، هیچ گاه در یک پارچگی و ارتباط تنگاتنگ حقیقت آن خدشهای ایجاد نمی کند. به دیگر سخن، رابطه دنیا و آخرت، رابطه ای است که بین اول و آخر انسان در یک مسیر وجود دارد و در حقیقت، دنیا و آخرت، دو چهره یک واقعیت است. وقتی که چنین باوری در صاحب حیات طیبه پدید آمد و یقین پیدا کرد که پس از مرگ، عقاید، افکار، اخلاق، و اعمال او ظهور و بروز پیدا می کند، دیگر به هر قیمتی زندگی نمی کند. او چون می داند رفتارش در سرنوشتش تأثیر دارد، بنابراین طوری زندگی می کند که در ارائه حیات مستمر خود گرفتار نشود.<sup>1</sup>

استاد مطهری با استناد به آیه ای از قرآن کریم،<sup>2</sup> مسئله معاد و پیوستگی میان زندگی دنیا و زندگی آخرت را از امور قطعی و مسلم دانسته و آن را اساس و روح تعلیمات انبیاء و دعوت به این مطلب را از رسالت پیغمبران به شمار آورده و می فرمایند: انسان در آخرت آن چنان است که اینجا خودش را بسازد؛ اینجا اگر خودش را کامل بسازد آنجا کامل است و اگر ناقص بسازد ناقص است، اگر خودش را کور قرار بدهد آنجا کور است و اگر خودش را گر قرار بدهد آنجا کر است و اگر خودش را از صورت انسانیت خارج کرده باشد و به صورت حیوانی از انواع حیوانات دیگر در آورده باشد، در آنجا به صورت همان حیوان محشور می شود. اینجا نظام، نظام اجتماعی است به این معنا که افراد واقعاً در سعادت و شقاوت یکدیگر شریک و مؤثرند، یعنی عمل خوب من می تواند شما را خوشبخت کند و عمل بد من تأثیر دارد در بدبختی شما و افراد یک اجتماع سرنوشت مشترک دارند، ولی در آنجا اصلاً سرنوشت مشترک نیست (اهل سعادت با هم اند و اهل شقاوت هم با هم، ولی این با هم بودن غیر از اشتراک داشتن در سعادت است)، هر کسی در وضع خودش است بدون آنکه تأثیری در وضع دیگری داشته باشد. مخصوصاً این قسمت اخیر، چون جنبه تربیتی زیادتری دارد و بیشتر به مسأله دعوت مربوط است. لذا می بینیم قرآن (در درجه اول) و سایر آثار دینی، اصرار فراوانی روی

1. اقتباس از عبدالله جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء، 1386 ش، ص 157-158.

2. سوره حشر (59) آیه 18

این مطلب دارند که آخرت دارالجزاء و خانه پاداش و کیفر است، پس مراقب عمل خودتان در اینجا باشید. حتی در قرآن این تعبیر به کار رفته که آنچه شما در این عالم عمل می‌کنید پیش فرستاده شما به عالم دیگر است. و این تعبیر قرآن عین حقیقت است که هر چه در اینجا عمل می‌کنیم چیزی در آنجا ایجاد کرده‌ایم، پس چیزی را از اینجا به آنجا فرستاده‌ایم.<sup>1</sup>

بنابراین از نظر قرآن سعادت واقعی بشر در دنیا و آخرت توأم‌اند و جدایی ندارند و آن چیزهایی که از نظر اخروی گناه بوده و سبب بدبختی انسان در آخرت است، همانهاست که از نظر دنیوی هم نظام کلی زندگی بشر را فاسد می‌کند و هر عملی که در این دنیا انسان را به زندگی طیب و پاک رهنمون می‌سازد، همان عمل نیز سعادت اخروی را به ارمغان خواهد آورد.

### 2-3. معاد و حشر انسانها

بعد از مسأله توحید، مهمترین مسأله‌ای که می‌تواند انسان را صاحب حیات طیبه کند، ایمان به معاد و باور به اصل اعتقادی و قرآنی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»<sup>2</sup> است. و اینکه خداوند در آیه 97 سوره نحل فرمودند «هر کس مؤمن باشد، او را به حیات پاک زنده می‌داریم؛» بیانگر این نکته است که یکی از مصادیقی که ایمان به آن، انسان را به حیات طیبه رهنون می‌سازد، همین ایمان به معاد و باور به وجود حیات اخروی و زندگی جاوید پس از مرگ است. اهمیت این باور تا بدان جاست که استاد مطهری می‌فرماید: حتی «پیغمبران آمده‌اند برای اینکه مردم را به دو حقیقت مؤمن و معتقد کنند: یکی به خدا (مبدأ) و دیگر به قیامت (و یا به اصطلاح معمول فعلی: معاد).»<sup>3</sup> و «ایمان به عالم آخرت شرط مسلمانی است؛ یعنی اگر کسی این ایمان را از دست بدهد و انکار کند از زمره مسلمانان خارج است.»<sup>4</sup> حال با توجه به آثار ایمان به معاد در حیات بشری، به پیامد این اعتقاد در زندگی انسان اشاره می‌شود.

### 2-3-1. پیامدهای اعتقاد و باور به معاد

یکی از شرایط برخورداری از حیات طیبه، ایمان و اعتقاد به معاد است. به طوری که این باور، آثار ارزشمندی در تمام ابعاد زندگی انسان، اعم از بعد فردی و اجتماعی دارد. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، جامعه از مجموعه افرادی تشکیل شده است که با یکدیگر در ارتباط و

1. مرتضی مطهری، جلد 4، ص 531.534

2. سوره بقره (2) آیه 152

3. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 4، ص 529

4. همان، ج 2، ص 514

تعامل‌اند. و نوع سبک زندگی یک یک افراد در پیشرفت، سرافرازی و سربلندی جامعه و پاکیزگی آن تأثیر شگرفی دارد. از این رو اگر بر روابط افراد جامعه، ایمان به مبدأ و معاد حاکم باشد، زندگی معنا، مفهوم، هدف، شکل و چارچوب ویژه‌ای پیدا می‌کند که تفاوت‌های اصولی و بنیادی با نوع زندگی انسانهایی خواهد داشت که دارای چنین عقیده‌ای نیستند. همان‌گونه که روشن است؛ انسان غیر مؤمن به معاد، به خاطر منحصر دانستن زندگی به دنیا و دنبال کردن اهداف مادی و حیوانی، هدفی را برای مجموعه زندگی خود نمی‌یابد و زندگی برای چنین شخصی، بدون هدف، جهت و معنا خواهد بود. او برای رفتار خود چارچوبی نمی‌شناسد، هرگونه خواست و اراده کرد و دوست داشت عمل می‌کند یا حتی رفتار خود را مطابق دلخواه و بدون احساس محدودیت تغییر می‌دهد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»<sup>1</sup> پس اولین اثر باور به حیات پس از مرگ، معنا بخشیدن به زندگی و عاقلانه زندگی کردن است.

علاّمه جوادی آملی مهم‌ترین اثر یاد معاد را؛ اجرای عدل و برپایی قسط فردی و اجتماعی دانسته و در رابطه با نقش یاد قیامت در وارستگی انسان می‌فرماید: «کسی که معاد را فراموش نکند پارسا خواهد بود؛ زیرا همه اعمال و رفتارش را تحت مراقبت ویژه قرار می‌دهد و سعی و تلاش همه جانبه دارد تا آنها را بر خشنودی خداوند استوار ساخته، در مدار شهوات، آرزوهای باطل و هوس‌های شیطانی نگردد.»<sup>2</sup> ایشان با استناد به آیه‌ای از قرآن کریم همچنین درباره نقش یاد معاد در اخلاق می‌فرماید: «صفات برجسته اخلاق در کنار یاد معاد و تذکر قیامت به کمال لازم می‌رسد؛ زیرا یاد مرگ، و عذاب قیامت انسان را دل شکسته و قلب او را خاشع می‌سازد. «و استعینوا بالصبر و الصلاة و إنّها لکبیرة إلیّ علی الخاشعین. الذّین یظنون أنّهم ملاقوا ربّهم و أنّهم إلیه راجعون.»<sup>3</sup> یاد مرگ و عذاب آنان را خاشع و خاکسار می‌سازد. این مسأله یقینی است و هیچ شک و گمانی در آن راه ندارد.»<sup>4</sup>

1. سوره قیامت، (75) آیات 5.6.

«انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند!»

2 عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن، چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء، 1384 ه.ش، ج 4، ص 22

3. سوره بقره، آیات 45 - 46. «از صبر و نماز یاری جوید؛ (و با استقامت و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید؛) و این کار، جز برای خاشعان، گران است. آنها کسانی هستند که می‌دانند دیدارکننده پروردگار خویشند، و به سوی او بازمی‌گردند.»

4 عبدالله جوادی آملی، معاد در قرآن جلد 4، ص 52. 53

بنابراین عامل اصلی و بازدارنده‌ای که بتواند افعال و رفتارهای انسانها را در جهت صحیح سوق داده و مقدمه رسیدن به حیات طیبه و سبک زندگی اسلامی را رقم بزند؛ ایمان به معاد، فراهم نمودن مقدمات نیل به این حیات جاوید و ترس از انتقام الهی و جهنم است، چرا که طبق آیه «وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ»<sup>1</sup> تنها افراد متجاوز و گناهکار روز قیامت را انکار می‌کنند.

## 2-4. انسان‌شناسی اسلامی و سبک زندگی

همان‌گونه که روشن است؛ سبک زندگی رابطه تنگاتنگی با انسان‌شناسی دارد. به طوری که اگر نیاز باشد سبک زندگی مورد قبول یک مکتب و دینی را مورد ارزیابی قرار بدهیم، باید به نوع نگاه آن دین و مکتب به انسان و جایگاه او در نظام هستی توجه داشته باشیم. بر همین اساس، اگر بخواهیم سبک زندگی اسلامی را در حوزه‌های مختلف بدست آورده و الگوبرداری نماییم، لازم است در درجه اول نوع نگاه این دین الهی و آسمانی را نسبت به جایگاه انسان در منظومه هستی شناخته و مورد توجه قرار دهیم. از همین‌رو در این قسمت، به برخی از مباحث این حوزه که در ترسیم سبک زندگی اسلامی نقش‌آفرینی روشن‌تری دارند می‌پردازیم.

### 2-4-1. تکامل‌پذیر بودن انسان

یکی از خصوصیات بارز انسان در زندگی دنیوی، تکامل‌پذیر بودن آن است و برای اینکه انسان بتواند راه تکامل خود را بشناسد و در بیراهه‌ها و گمراهی‌ها گرفتار نیاید، از هدایتی ویژه برخوردار است تا راه را بشناسد و آزادانه در مسیر سعادت قدم نهاده و به سوی هدفش گام بردارد. این هدایت ویژه، عبارتند از:

الف. هدایت درونی به عنوان، عقل، اختیار و اراده. عقل به عنوان قوه و اندیشه‌ای که برخاسته از روح خدایی است می‌تواند منشأ کارهای فوق‌العاده ممتاز باشد و انسان می‌تواند در پرتو داشتن توانایی‌های ذهنی و استعداد فراگیر، به معارف بلندی که زمینه ساز رسیدن به حیات طیبه باشد دست یابد. همچنین انسان در کنار عقل می‌تواند با استفاده از اراده و اختیار و آزادی عمل، راه تکامل خویش را از بیراهه‌ها باز شناسد و آزادانه در آن قدم گذارد و به مراتب کمال و مقام والای انسان کامل برسد مقامی که انبیا و اولیای الهی به ویژه پیامبر عظیم‌الشان اسلام و امامان معصوم (ع) مرتبه کامل آن را دارا بودند.

ب. هدایت برونی که همان هدایت پیامبران و امامان معصوم است. یکی از دلایل روشن بر قابلیت انسان برای پیمودن مدارج کمال، فرستادن پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام)

1. سوره مطففین، (83) آیه 12.

است و اگر در آدمی زمینه رشد نمی‌بود، فرستادن این همه پیامبر از سوی خداوند، کار بیهوده‌ای تلقی می‌شد. خدای متعال درباره مأموریت پیامبر گرامی اسلام چنین می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ أَنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»<sup>1</sup>

بنابراین، برای اینکه انسان در مسیر تکامل خویش به حیات طیبه برسد باید از این دو هدایت در زندگی فردی و اجتماعی خویش به نحو احسن استفاده کند، چرا که این دو روش در نوع سبک زندگی نیز بسیار سودمند و قابل توجه خواهند بود.

## 2-4-2. حقیقت انسان

انسان مرکب از روح و بدن است. حال اینکه کدام یک از این دو حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد علامه طباطبایی (ره) در این رابطه می‌فرماید: «حقیقت انسان که از آن به «من» تعبیر می‌شود، همان روح انسانی است و بس. و اینکه خداوند در آیه «قُلْ يَتَوَفَّكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» فرمود: «يَتَوَفَّكُم» می‌گیرد شما را و فرمود: يتوفى روحکم، می‌گیرد جان شما را، دلالت دارد بر اینکه حقیقت انسانی که ما از آن به کلمه من تعبیر می‌کنیم، همان روح انسانی است و بس، نه تن خاکی. بنابراین با قبض روح کردن ملک الموت، چیزی از این حقیقت گم نمی‌شود.»<sup>2</sup>

بنابراین شناخت حقیقت انسان، زمینه‌ساز انتخاب سبک زندگی درست بوده و عاملی خواهد بود در جهت دستیابی به حیات طیبه، به این صورت که با شناخت این حقیقت، انسان متناسب با نوع حقیقی خود برنامه می‌ریزد، تلاش می‌کند، بندگی و زندگی می‌کند. با شناخت این حقیقت است که می‌توان به بالاترین مراتب کمال رسیده و خود را جهت رسیدن به قرب پروردگار آماده کرد.

## 2-4-3. ابعاد انسان

در صورتی می‌توان از انسان دستیابی به برترین حیات، مقام و کمالات مادی و معنوی را انتظار داشت که ظرفیت و استعداد وجودی او توان رسیدن به این مقام را داشته باشد. با توجه به این‌که خداوند انسان را خلق و او را خلیفه خود در روی زمین قرار داد، گویای این حقیقت

1. سوره آل عمران (3) آیه 164

«خداوند بر مؤمنان منت نهاد [ نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.»

2. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 7، ص 130.

است که «انسان از لحاظ ظرفیت و استعداد فراگیری، موجود بی‌نهایت است. و ظرفیت او از تمام موجودات هستی حتی از فرشتگان مجرد الهی فراتر است که شناخت انسان بدین نحو تنها توسط وحی ممکن است و بدون وحی کسی قادر نیست این چنین ابعاد وجودی انسان را ارائه دهد. قرآن در مورد ظرفیت فراگیری انسان می‌فرماید فرشتگان در هنگام آفریدن انسان در فکر بودند که انگیزه آفرینش این موجود چیست، و حتی هنگامی که از اراده و مقصد الهی در این رابطه اطلاع یافتند در محضر الهی سؤال کردند که برای چه انسان می‌آفرینی؟ «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا» خدای سبحان در پاسخ فرشته‌ها فرمود من چیزی می‌دانم که شما به آن آگاهی ندارید، «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»<sup>1</sup> و آن موضوع ظرفیت فراگیری انسان است و شما هم اگر به این حقیقت آگاه شوید دیگر چنین سؤالی نخواهید کرد. پس آنکه قادر است انسان را بشناسد خدای انسان است. همان‌که بعد از آفرینش انسان به عنوان زیباترین مخلوق بر آن عمل با عظمت، با گفتن «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»<sup>2</sup> خود را ستود.<sup>3</sup> پس نتیجه می‌گیریم این انسان ملکوتی، توانایی و استعداد رسیدن به برترین حیات و بهترین سبک از زندگی الهی را دارا بوده و برای رسیدن به این مقام باید دل در گرو راهنمایان و هدایت‌گران الهی قرار دهد.

#### 4-4-2. خلیفه الله بودن انسان

با مراجعه به قرآن مجید به عنوان بهترین الگو و شاخص برای سبک زندگی، آیه‌ای توجه ما را به خود جلب می‌کند، مدلول آیه این است که خداوند در این کتاب انسان سازی، انسان را موجود کریم معرفی کرده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»<sup>4</sup> با دیدن این آیه ذهن پژوهشگر از انسان سؤال می‌کند چرا خداوند به این اندازه به انسان ارزش قائل شده و صفت کرامت را به این موجود ضعیف اطلاق نموده است؟ کرامتش برای چیست؟ برای پاسخ به این سؤال با مراجعه اجمالی به خود قرآن کریم، مشاهده می‌شود در آیه‌ای دیگر خداوند متعال دلیل کرامت انسان را خلیفه‌الله بودن او اعلام کرده و می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>5</sup> یعنی کرامت انسان به استناد خلیفه‌الله بودن او است، طبق این آیه، خداوند متعال با لطف خاص خویش ردای خلافت را بر قامت انسان پوشانده و او را اشرف مخلوقات قرار داده، اما اینکه معنای خلافت چیست و شرایط خلافت الهی چگونه باید باشد، در ذیل بیان می‌کنیم.

1. سوره بقره (2) آیه 30

2. سوره مؤمنون (23) آیه 14

3. حبیب الله احمدی، پژوهشی در علوم القرآن، 1 جلد، چاپ چهارم، قم: نشر فاطمیا، 1381، ص 204-205.

4. سوره اسراء (17) آیه 70.

5. سوره بقره (2) آیه 30

#### 2-4-4-1. معنای خلافت الهی

کلمه خلیفه به معنای «مَنْ يَخْلَفُ عَنْ غَيْرِهِ» می‌باشد. یعنی کسی که از غیر خود جانشینی می‌کند.<sup>1</sup> و معنای خلافت آن است که کسی جانشین «مستخلف عنه» باشد.<sup>2</sup> و مراد از خلافت انسان از خداوند این است که او مظهر صفات خداوند و مرآت افعال اوست؛ خدا اصل است و انسان خلیفه آیت و مرآت او. به بیان دیگر، نه خالی شدن صحنه وجود از خداوند مراد است و نه واگذاری مقام ربوبیت و تدبیر به انسان؛ زیرا نه غیبت و محدودیت خداوند قابل تصور صحیح است و نه استقلال انسان در تدبیر امور قابل قبول؛ چون موجود ممکن و فقیر ذاتاً و مستقلاً از اداره امور خود عاجز است، چه رسد به تدبیر کار دیگران. خلیفه خدا همان ید الله است که به صورت آدمی کار می‌کند و در واقع خود خداوند است که آن فعل را انجام می‌دهد و خلیفه خدا، مجرای صدور فعل و مهبط هبوط و نزول اراده ربّ است.<sup>3</sup>

علامه جوادی آملی در بیان دیگری در رابطه با معنای خلافت الهی می‌فرماید: «معنای خلافت این است که خلیفه، تمام برنامه‌های علمی و عملی، فردی و جمعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به دستور مستخلف عنه فرا می‌گیرد و امتثال می‌کند؛ به طوری که نه فردسالاری مطرح باشد؛ نه مردم‌سالاری غیر دینی، بلکه فقط دین‌سالاری طرح شود که در آن حکم خداوند نافذ است»<sup>4</sup> بنابر این، انسان کامل، خلیفه خداست هم در اوصاف ذاتی، هم در اوصاف فعلی و هم در آثار. به این معنا که ذاتش خلیفه ذات خدا، صفاتش خلیفه صفات خدا، و افعالش خلیفه افعال خداست و معنای خلافت در این سه مرحله، مظهریت خواهد بود. ذات انسان کامل، مظهر ذات حق، صفاتش مظهر صفات حق و افعالش مظهر افعال حق است و این مقام ویژه انسان است نه غیر انسان.<sup>5</sup>

#### 2-4-4-2. شرایط خلافت الهی

حال با توجه به نکاتی که بیان شد نتیجه می‌گیریم؛ اگر خداوند انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خود در روی زمین معرفی کرده است، مستحق بودن مقام خلیفه الهی، به خاطر رفیع بودن جایگاهش بر همگان صادق نیست. و کسی می‌تواند بر این کرسی خلافت تکیه زند که نمونه انسان کامل باشد. چرا که انسان کامل مظهر خلیفه خداست. و همان گونه که بیان شد،

1. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، جلد 3، ص 57

2. عبدالله جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال، ص 121

3. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، جلد 3، ص 108

4. عبدالله جوادی آملی، سروش هدایت جلد 4، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء، 1387 ش، ص 253.

5. عبدالله جوادی آملی، سیره پیامبران در قرآن، ص 139

معنای خلیفه آن است که مظهر مستخلف‌عنه باشد و کار مستخلف‌عنه را بکند و الا شایستگی این مقام را نخواهد داشت. انسان کامل باید آئینه تمام‌نمای جمال و جلال حق تعالی باشد. انسان کاملی که خلیفه‌الله است، باید حرف‌خدایی را که از جانب او خلیفه است بزند، باید اراده خدا، علم خدا، سیره خدا، سنت خدا، منطق خدا و روش خدا را تقدیس کند. الگو و سبکی که برای زندگی خود انتخاب می‌کند باید برگرفته از الگویی که او به ترسیم کشیده و امضاء نموده است باشد، و الا اگر کسی اسم خلیفه را داشته باشد ولی به رسم خلیفه عمل نکند او غاصب است چنین انسانی دیگر خلیفه نیست، وقتی خلیفه نشد، دیگر کریم نیست. وقتی کرامت نداشت، دیگر آن حقوق و مزایا را مستحق نخواهد بود.<sup>1</sup>

---

1. اقتباس از عبدالله جوادی آملی، نسیم اندیشه، دفتر اول، ص 58



## 2-5. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آنچه در این فصل به آن پرداخته شد، مبانی نظری حیات طیبه بود. با این بیان که سبک زندگی هر فرد یا جامعه‌ای وابسته به باورها و ارزش‌های حاکم بر آن فرد یا جامعه است. چرا که این باورها، جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها هستند که به زندگی افراد و جوامع جهت می‌دهند. به گونه‌ای که اگر باور و اعتقادات انسان بر گرفته از روش و منش توحیدی باشد، به یقین سبک و روش زندگی او نیز ارزشی و توحیدی بوده و حیات طیّب نصیب او خواهد شد. ولی اگر زیربنای تفکرات و اعتقادات یک شخص بر مبنای مادیات و تمتعات دنیوی شکل گرفته باشد، روش و منش او در زندگی نیز مادی‌گرایانه و در نتیجه حیات خبیثه نصیب او خواهد شد. از همین رو، ما در فصل دوم به برخی از باورها و ارزشهایی که نقش کلیدی در ساخت سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه داشتند را بیان نمودیم. حال جهت یادآوری و جمع‌بندی به صورت خلاصه به آنها اشاره می‌کنیم.

1. از جمله باورهای ارزشی که حیات طیبه را برای انسان به ارمغان آورده و در سمت و سو دادن به زندگی و حیات بشری تأثیر شگرفی دارد ایمان به خدا و یکتاپرستی است. چرا که جامعه یکتاپرست با توجه به اینکه معتقد به آیه «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»<sup>1</sup> است، برای خدا شریکی قائل نمی‌شود، لذا در تمام ابعاد زندگی خود، غیر از راهکارها و برنامه‌های او، به سبک و خواسته‌های دیگران توجه نمی‌کند. و آن جامعه‌ای که می‌داند آیه «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي»<sup>2</sup> حق است، خود را رها و آزاد نمی‌داند و هر جور که دلش خواست رفتار نمی‌کند. و به خاطر حاضر و ناظر بودن خداوند متعال دزدی، غارت و خیانت نمی‌کند، بلکه طوری زندگی می‌کند که رضایت حضرت حق را به دست آورد. او با اعتقاد به آیه «إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ»<sup>3</sup> به کسی ظلم و ستم روا نمی‌دارد. جامعه‌ای که به آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»<sup>4</sup> ایمان دارد، گناه و معصیت نمی‌کند. و نیز جامعه‌ای که به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا»<sup>5</sup> اعتقاد داشته باشد عدالت را زیر پا

1. سوره شوری (42) آیه 11

2. سوره علق، آیه 14

3. سوره ابراهیم، (14) آیه 48

4. سوره بقره، (2) آیه 196

5. سوره نساء (4) آیه 40

نمی‌گذارد. و در نهایت، با گستره توحید، اعتقاد و پای‌بندی به آن، نظام پر از عدل و داد شده و جامعه‌ای خواهد بود که افراد آن با تمسک به "کلمه طیبه" که همان توحید باشد، در رفتار، گفتار و کردار خود پاکیزه و صادق خواهند بود، و دائماً در پاکی، صلح و صفا زندگی خواهند کرد.

2. یکی دیگر از باورها و نگرشهایی که انسان را صاحب حیات طیبه می‌کند و زندگی را در جهت مطلوب و حقیقی قرار می‌دهد؛ ایمان به معاد و حیات جاوید پس از مرگ است. از این رو، جامعه‌ای که به آیه شریفه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»<sup>1</sup> اعتقاد داشته، و باور دارد که مرگ پایان زندگی نیست و پس از مرگ، عقاید، افکار، اخلاق، و اعمال او ظهور و بروز پیدا کرده و در سرنوشتش تأثیر دارد، لذا با خویشتن داری و اجتناب از انحرافات اخلاقی و اجتماعی، و با رعایت قوانین الهی و حقوق سایر انسانها، با احساس مسئولیت و عمل به فرامین ناشران دین، سعی در جلب رضایت خداوند متعال داشته و با جستجوی حق، به گونه‌ای زندگی می‌کند که سعادت دنیا و آخرت را برای خود رقم بزند.

3. از جمله باورها و نگرشهایی که انسان را به حیات طیبه رهنمون می‌سازد، توجه به برتری مقام، منزلت و حقیقت انسان است. به طوری که اگر انسان ارزش خود را به عنوان برترین موجود عالم آفرینش بشناسد، و باور داشته باشد که عظمت مقام او به خاطر جنبه‌های مادی نیست، لذا تلاش می‌کند در تمام برنامه‌های علمی و عملی، فردی و جمعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، دین را سرلوحه زندگی خود قرار داده، و فقط از کسی تبعیت کند که او را به عنوان خلیفه خود در روی زمین قرار داده است، اگر این چنین عمل نمود می‌توان به طیبه بودن حیات او امیدوار بود.

---

1. سوره مؤمنون (23) آیه 115